

کسانی که با افکار عالی و خوب دم‌سازند، هرگز تنها نیستند.

www.mandegardaily.com

سال پنجم شماره یک هزار یکصد و هفتاد و یکم یکشنبه ۱۲ عقرب/آذر ۱۳۹۲ ۲۹ ذوالحجه ۱۴۳۴ ۳ نوامبر ۲۰۱۳

کرزی:
انتخابات پیش‌رو میراث
من خواهد بود

رئیس‌جمهور کرزی گفته است که انتخابات پیش‌رو دموکراسی را در افغانستان محکمتر خواهد کرد و همین میراث او خواهد بود. آقای کرزی در آخرین روز سفرش به بریتانیا در مرکز آکسفورد یونیون سخنرانی کرد. آقای کرزی در جریان این سخنرانی گفت که امنیت یکی از چالش‌های افغانستان است و همچنان یک چالش باقی خواهد ماند. آقای کرزی ضمن انتقاد از عملکرد نیروهای خارجی در افغانستان گفت که برخاستگاه تروریسم در افغانستان نیست و همین موضوع همواره بین دولت او و حامیان بین‌المللی او تنش ایجاد کرده است. تنشی که به گفته آقای کرزی هنوز هم ادامه دارد. ولی آقای کرزی تأکید کرد که نگرانی‌هایی که در بین مردم مبنی بر احتمال خراب شدن شرایط امنیتی در افغانستان بعد از ۲۰۱۴ ابراز می‌شود، درست نیست و افغانستان بعد از خروج نیروهای خارجی، کشور امنی خواهد بود.

ولسی د افغان طالبانو مشران
د بی پیلوټه الوتکو هدف نه گرځي؟

افغان طالبان په کوټه، کراچۍ او پېښور کې په امن او ښاري سیمو کې اوسېږي او د پاکستان د گټو په خلاف نه بلکې تر ډېره د پاکستان د گټو ساتونکي دي.

حکیم الله مددسود په پکتیا، پکتیکا، خوست، غزني، میدان وردگ، لوگر او ګینو نورو سیمو کې د افغاني طالبانو د ډلو مشري کوله، هغوی یې رهبري کول، جگړې ته یې هڅول او نږدې اړیکي یې ورپسره لرل او له ښک پرته چې د نوموړي وژل کېدل به په دغو ډلو او د هغوی په فعالیتونو یوه اندازه اغېز وکړي

صفحه ۶

گذاشتن صندوق رأی‌دهی در ایران و پاکستان
سیاسی است

پاکستان و ایران را ناممکن خوانده بود. فضل احمد معنوی گفته که اینگونه حرکت‌ها چالش‌های انتخاباتی را بیشتر ساخته و تحقق آن یک تصمیم سیاسی خواهد بود.

اما کمیسیون انتخابات می‌گوید که گذاشتن صندوق رأی دهی برای مهاجران افغان در ایران و پاکستان، پلانی است که تا اکنون نهایی نشده است.

به گفته مسولان این کمیسیون، تأمین امنیت، پرداخت بودجه، نظارت از روند برگزاری انتخابات و چگونگی رأی دادن از موضوعاتی اند که چانه زنی‌ها هنوز در این باره ادامه دارد.

اما عزیز رفیعی رئیس جامعه مدنی افغانستان می‌گوید، برگزاری انتخابات در بیرون از مرزهای افغانستان یک

برگزاری انتخابات در ایران و پاکستان برای مهاجران افغان مقیم این کشورها، یک برنامه سیاسی است. شماری از نهادهای مدنی با تأکید بر این مطلب می‌گویند، نظارت از برگزاری انتخابات در کشورهای ایران و پاکستان، کار دشوار و ناممکن است.

به گفته آنان، در دور پیشین انتخابات ریاست‌جمهوری در پاکستان بیش از چهار میلیون کارت رأی‌دهی تقلبی از سوی پاکستان برای مهاجران افغان توزیع شده بود؛ بنابراین برگزاری چنین انتخاباتی نه تنها کمکی برای دموکراسی نخواهد کرد، بل حتا مشروعیت انتخابات را نیز زیر سوال خواهد برد.

پیشتر رئیس پیشین کمیسیون مستقل انتخابات برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری برای مهاجران افغان در



روند سیاسی است.

او تأکید کرد، در قدم نخست تعداد پناهجویان در این کشورها مشخص نیست؛ بنابراین معلوم نخواهد شد که آیا افغان‌ها رأی خواهند داد یا... ادامه صفحه ۷

ظاهر اغبر برای ورزش افغانستان چه کرد؟



تربیت بدنی استعفا می‌دهم.

در یک بخش دیگر از این نامه همچنان آمده است: «جای مسرت و خشنودی است که طی بیش از چهار سال گذشته در همراهی و همسویی با جامعه ورزشی افغانستان افتخار رهبری یک تیم متعهد به منافع افغانستان را داشته‌ام که کاروان ورزش این کشور را از جای دور افتاده و حاشیه‌یی، به متن و قضایا و زنده‌گی عادی مردم افغانستان کشانده‌ام.»

هر چند از عملکردهای چندروزه... ادامه صفحه ۶

دگر جنرال ظاهر اغبر هفته گذشته ظاهراً به دلیل «سنگ‌اندازی‌های برخی مقام‌های حکومتی در راه پیشرفت ورزش» از ریاست کمیته ملی المپیک و تربیت بدنی افغانستان استعفا کرد.

استعفا آقای اغبر واکنش‌های زیاد مردم، نهادهای ورزشی و ورزشکاران را به دنبال داشت.

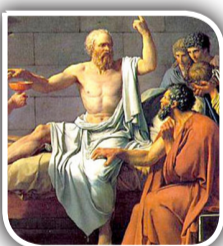
جنرال ظاهر اغبر چهار سال پیش به حیث رئیس کمیته ملی المپیک و تربیت بدنی کشور به کار آغاز کرد. به باور شماری از کارشناسان ورزش و ورزشکاران، او در جریان مدیریتش فعالیت‌های فراوانی را انجام داده و کمیته ملی المپیک افغانستان را از حالت نابسامان بیرون آورده است.

آقای اغبر در قسمتی از استعفانامه‌اش که در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته، گفته است: «می‌خواهم به جای اینکه همبستگی جامعه ورزشی افغانستان و ساختارهای ورزشی کشور قربانی توطیه‌های حسادت‌آمیز و عقده‌انگیز یک اقلیت بیمار شود، خودم با کمال افتخار این قربانی را می‌پذیرم و از سمت ریاست کمیته ملی و

پاکستان:
ملا برادر نمی خواهد به
افغانستان برود

استخبارات پاکستان در حال بررسی سه گزینه در خصوص تحویل دادن ملا برادر مرد شماره دوم طالبان است، وی از اواخر سپتمبر در مکانی نامعلوم در پاکستان به سر می‌برد. به گزارش روزنامه نیشن، یک مقام امنیتی پاکستان گفت: با ترس از خطراتی که ممکن است برای جان ملا عبدالغنی برادر پیش‌بیاید، تحویل توام با امنیت او به یک کشور دوست در خاورمیانه یا اقامت طولانی مدت در پاکستان در حال حاضر گزینه‌یی عملی محسوب... ادامه صفحه ۶

در برگ ها

سخنان
مغالطه‌آمیز
یک
رئیس‌جمهورپراکنده
نویسی‌هایی
در باب
فلسفهپرتو نادری
در وسط
امر «نوشتن
شعر»در سلسله
گفت‌وگوهای
اجندای ملی
دومین نشست
مشورتی
اجندای ملی
هرات

احمد عمران

سخنان مغالطه آمیز یک رییس جمهور

به حیات خود در جامعه ادامه می دهند، بی تفاوت بود؛ اما همین ساختارها نیز همواره در خدمت سیاست های آقای کرزی بوده است و شخصاً او تلاش کرده که این ساختارها هم چنان در حیات جامعه، حضور پررنگ و سنگین داشته باشند.

آقای کرزی در دوازده سال گذشته از افراد، گروه ها و نهادهایی حمایت کرده که به عنوان موانع اصلی تحقق دموکراسی در کشور شناخته می شوند. مگر شهروندان کشور، عناد حیرت آور آقای کرزی را در برابر پارلمان کشور فراموش کرده اند. آقای کرزی نه تنها این نهاد را به رسمیت نشناخت و نمی شناسد؛ بل با اقدام های گسترده تلاش کرده است که آن را نهادی بدون کارایی و صلاحیت نشان دهد. ایجاد دادگاه رسیده گی به مسایل حقوقی انتخابات پارلمانی گذشته، مگر گویای بی اعتمادی مفرط رییس جمهوری به نهادهای دموکراتیک و مشروع انتخاباتی نمی تواند باشد؟ مگر رییس جمهوری با دخالت های مکرر و غیرقانونی خود، انتخابات پارلمانی کشور را وارد فاز بحران و بی اعتمادی در کشور نساخت؟ در دو انتخابات گذشته مگر آقای کرزی پا بر روی تمام اصول دموکراتیک گذاشت و ترویج کننده اصلی تقلب و مهندسی در آرای مردم نبود؟ مگر همین حالا آقای کرزی با شیوه ها و سستی که از خود ارایه کرده، در پی مهندسی انتخابات ریاست جمهوری سال آینده نیست؟ همان انتخاباتی که آقای کرزی در لندن مدعی است که دموکراسی در کشور را محکم تر می کند!... چرا اکنون آقای کرزی در موجودیت شورای ملی، برای بحث بر سر امضای توافق نامه امنیتی با امریکا جرگه سستی را برگزار می کند؟

آقای کرزی با ترویج فساد سازمان یافته در کشور، تضعیف نهادهای دموکراتیک، قبیله سالاری و بها دادن به مناسبات قبیله ای، عملاً ارزش های دموکراتیک در جامعه را زیر سوال برده است. دموکراسی آقای کرزی با طعم استبداد همراه بوده است. او هرگز نشانه های یک رییس جمهور دموکرات را نداشته است. آقای کرزی اربابی بوده که تلاش کرده است با عوام فریبی و وارونه کردن ارزش های مدرن، از آن ها ابزارهایی برای تصاحب بی حد و مرز قدرت بسازد.

میراث آقای کرزی برای حکومت آینده، ساختاری فلج و به شدت آلوده به فساد است؛ ساختاری که به بازسازی بنیادین نیاز دارد و باید آن را با اصلاحات گسترده و عمیق، از نو ساخت. میراث آقای کرزی برای حکومت آینده، دموکراسی نیست؛ بل نوعی حکومت پدرسالارانه است که با هیچ ملاکی نمی توان آن را حکومتی دموکراتیک خواند. اگر مقداری در جامعه هوای



در خدمت ارزش های دموکراتیک و مردم سالارانه قرار داشته باشد، در خدمت مفاهیم و ارزش های غیردموکراتیک و پیشامدرن قرار داشته است. تعریف آقای کرزی از دموکراسی، هیچ شباهتی با مبادی و بنیادهای آن ندارد و بیشتر یادآور نوعی حکومت خودکامه است. مگر دوازده سال تجربه آقای کرزی، چیزی است که بتوان آن را پنهان کرد و یا به گونه دیگر نمایش داد.

خوب و بد آقای کرزی به عنوان یکی از معاصران، در برابر ما قرار دارد و به سادگی می توان نسبت به آن قضاوت کرد. آقای کرزی وقتی دموکراسی را به عنوان میراث خود به حکومت آینده معرفی می کند، تنها می توان به چنین برداشتی از سر تمسخر خندید. اگر فشارهای جامعه جهانی و افکار عمومی در داخل کشور نمی بود، امروز افغانستان به جای همین دموکراسی نیم بند و شکننده، شاهد رژیم استالینیست می بود.

آقای کرزی در دوازده سال گذشته تلاش کرد که قدرت را در انحصار خود و افراد نزدیک به

سفر پنج روزه آقای کرزی به لندن را شاید بتوان آخرین فرصت خودنمایی یک رییس جمهور شکست خورده به شمار آورد؛ رییس جمهوری که نمی خواهد شکست خود در عرصه سیاست را بپذیرد و به همین دلیل تلاش می ورزد از هر فرصتی برای بزرگ نمایی استفاده کند.

آقای کرزی در نخستین روزهای ورود به لندن، در مجمع «جهان و اقتصاد اسلام» شرکت کرد و در سخنرانی خود، جهان اسلام را نسبت به مسوولیت و نقش آن در تحولات اقتصادی جهان متوجه ساخت؛ سخنرانی بی پر از اغلاط فنی و محتوایی و سراسر حرف هایی که به مفت هم خریدار ندارند.

آقای کرزی نمی داند که شرکت در چنین نشست ها و ایراد چنان سخنرانی هایی برایش به عنوان فردی که دوازده سال سکان مدیریت سیاسی یک کشور بحران زده را به دوش داشته و نتوانسته هیچ روزنه امید برای مردم آن باز کند، نمی تواند گذشته او را بهتر نشان دهد. گذشته آقای کرزی در برابر افکار عمومی قرار دارد و همه گان در مورد آن قضاوت می کنند.

آقای کرزی در یکی از روزهای مسافرت یا بهتر است گفته شود سیاحت به لندن، در مرکز «اکسفورد یونین» سخنرانی کرد. این سخنرانی، شاید یکی از جالب ترین سخنرانی های آقای کرزی در چند سال اخیر به حساب رود. او در این سخنرانی گفت که «انتخابات پیش رو دموکراسی را در افغانستان محکم تر خواهد کرد و همین میراث او خواهد بود».

آقای کرزی گویا در این سخنرانی دچار فراموشی شده و فکر می کند که دموکراسی، میراث او برای مردم افغانستان است. در حالی که واقعیت چنین نیست و باید به آقای کرزی گفته شود که «لطفاً ارزش هایی را که مردم افغانستان به آن ها احترام قابل اند و در به دست آوردن آن ها ایتارگری و جان فشانی کرده اند، به نام خود سکه نزنید!». آقای کرزی فکر می کند که اگر او نمی بود، شاید در افغانستان یک رییس جمهور مستبد بر سر قدرت می آمد که با ارزش های دموکراسی سر سازگاری نمی داشت. از همین جا توهم آقای کرزی آغاز می شود و تلاش می کند که این توهم را به شکل سازمان یافته، در نهادهای بین المللی نیز اشاعه دهد.

آقای کرزی در دوازده سال گذشته، بیش از آن که

سخن ماندگار

همدردی زیان بارِ کرزی با پاکستان

حکیم الله محسود، فرمانده طالبان پاکستانی در اثر حملات هواپیماهای بی سرنشین ایالات متحده در میرانشاه پاکستان کشته شد. این خبر با آن که دستاورد مهمی برای جریان مبارزه علیه تروریسم شمرده می شود، از جنبه دیگری نیز قابل واکاوی است.

حملات هواپیماهای بی سرنشین ایالات متحده، یکی از جنجال برانگیزترین مسایل میان کشورهای همکار (افغانستان، ایالات متحده و پاکستان) در امر مبارزه با تروریسم بوده است. نشانه گیری غیردقیق این هواپیماها و تلفات مردم ملکی، از نتایج بسیار تأسف برانگیز این حملات قلمداد شده است. چندان که روابط دولت های افغانستان و پاکستان بارها با ایالات متحده، روی همین مسأله به هم خورده است.

موارد زیادی وجود داشته که این حملات جان بسیاری از هم میهنان عزیز ما را در گوشه و کنار کشور گرفته است و نیز دولت افغانستان، هیچ گاهی اجازه پی گیری این جنایت های جنگی را نداشته است. چندان که بحث پیمان امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده ظاهراً روی همین گونه قضایا لاینحل مانده است.

ادعای پاکستان مبنی بر حملات بی مهابای این هواپیماها نیز از همین جهت بوده است. در پاکستان نیز مواردی وجود داشته که این حملات، باعث کشته شدن مردم ملکی گردیده و حتا چندین بار خشم مقامات آن کشور را برانگیخته است. در ملاقاتی که نواز شریف با باراک اوباما هفته قبل داشت، یکی از شرایط همکاری های خود را، متوقف شدن همین حملات عنوان کرد که آقای اوباما پاسخ روشنی به آن نداد. روی همین ملحوظ، موضع پاکستان و افغانستان در قبال حملات هواپیماهای بی سرنشین هم سان بوده است. به این معنا که هر دو کشور خواستار متوقف شدن حملات این هواپیماها در خاک خودشان اند.

اما با این همه، نتایج فعالیت هواپیماهای بدون سرنشین، صرفاً منفی نبوده است. این هواپیماها بارها لانه های تروریستان را در پاکستان مورد هدف قرار داده که در روشن ترین نمونه، می توان به همین کشته شدن حکیم الله محسود اشاره کرد که در واقع یک دستاورد مهم است.

آنچه پیرامون این بحث مهم می توان اشاره کرد این است که هر چند فعالیت این هواپیماها در خاک افغانستان، نتایج منفی به بار آورده، اما در خاک پاکستان برعکس بوده است. زیرا از آن جایی که ثابت است، بخش اعظم پناهگاه های امن تروریستان، در خاک پاکستان است. قتل اسامه بن لادن، حضور ملا عمر و همین کشته شدن بیت الله محسود و حالا حکیم الله محسود در پاکستان، می تواند بهترین شواهد این ادعا باشد که لانه های اصلی تروریستان، در داخل خاک پاکستان قرار دارد. بنابراین می توان گفت که حملات این هواپیماها در خاک پاکستان، عاری از سود نبوده است. اما با این هم نقدی متوجه امریکایی ها بوده و آن این است که: اگر آن ها بخواهند، می توانند هدف گیری ها و نشانه گیری های دقیق تری را انجام دهند تا سبب تلفات ملکی نگردد. کشف و کشتن اسامه بن لادن، از بین بردن حکیم الله محسود و هم چنان کشته شدن سایر فرماندهان طالب، شاهد درستی این انتقاد می باشد. حتا می توان پرسشی را مطرح کرد که با توجه به این عملیات های دقیق و موفقانه، چرا تا هنوز مقر ملا عمر کشف و ویران نگردیده است؟

در هر حال، آن چه پاکستان را نگران ادامه این نوع عملیات کرده است، نقض حاکمیتش است که از سوی امریکایی ها صورت می گیرد و این می تواند یک نگرانی مشروع برای دولت پاکستان باشد.

اما جالب این است که جانب افغانستان با این که نگرانی و خواسته اش به مراتب مشروع تر از پاکستان می باشد (چون فعالیت های طالبان در خاک افغانستان نیست) در این برهه بیشتر در نقش مدافع پاکستان قرار گرفته است. به این معنا که مخالفت دولت افغانستان با حملات هواپیماهای بی سرنشین، بیشتر برای به دست آوردن دل مقامات پاکستانی است تا قطع فعالیت این هواپیماها در خاک افغانستان.

آقای کرزی برای آن که پاکستان پای طالبان را به میز مذاکره بکشاند، به نوعی همدردی با این کشور دست یازیده است که ابتدا به سود افغانستان نیست. محتمل است که ادعای پاکستان در جاهایی برحق باشد، اما در کل این گونه نیست. آقای کرزی بارها خودش از وجود پناهگاه های امن تروریستان در خاک پاکستان حرف زده؛ اما در این مرحله چرا این گونه در حمایت از آن کشور ایستاده است؟ هر چند پاسخ این پرسش به راحتی پیدا است، ولی مطمئناً اگر این حمایت ادامه یابد، هژمونی پاکستان بر افغانستان نیز ادامه خواهد یافت.

میراث آقای کرزی برای حکومت آینده، دموکراسی نیست؛ بل نوعی حکومت

پدرسالارانه است که با هیچ ملاکی نمی توان آن را حکومتی دموکراتیک خواند. اگر

مقداری در جامعه هوای آزادی و نمادهایی از یک دموکراسی را می توان دید، آن هم

به یمن فداکاری های مردم افغانستان و نهادهای جامعه مدنی در کشور به دست

آمده که همواره به عنوان عوامل بازدارنده، در برابر سیاست های استبدادی آقای

کرزی ایستاده گی کرده اند. اگر آقای کرزی هم چون اسلاف خود، فرصت و زمینه لازم

سرکوب را می داشت، بدون شک به برچیدن همین مقدار فضای باز موجود در کشور

نیز اقدام می کرد و از هیچ خشونت در این راستا دریغ نمی ورزید.

آزادی و نمادهایی از یک دموکراسی را می توان دید، آن هم به یمن فداکاری های مردم افغانستان و نهادهای جامعه مدنی در کشور به دست آمده که همواره به عنوان عوامل بازدارنده، در برابر سیاست های استبدادی آقای کرزی ایستاده گی کرده اند. اگر آقای کرزی هم چون اسلاف خود، فرصت و زمینه لازم سرکوب را می داشت، بدون شک به برچیدن همین مقدار فضای باز موجود در کشور نیز اقدام می کرد و از هیچ خشونت در این راستا دریغ نمی ورزید.

خود نگه دارد. انحصارگری آقای کرزی در مورد قدرت، مهم ترین عامل بی ثباتی کشور ظرف دوازده سال گذشته بوده است. همواره نهادهای جامعه مدنی و رسانه های کشور، از تهدیدهایی که متوجه جمهوریت در افغانستان است، هشدار داده اند. این مورد یک بحث انتزاعی و به اصطلاح بیرون از مدار تحولات افغانستان نبوده است. دغدغه هایی که نسبت به موانع دموکراسی در افغانستان همواره مطرح بوده، عمدتاً موانع دولتی بوده اند. البته در این میان نباید نسبت به ساختارهای غیرمدرن که هم چنان با سخت جانی

اوباما در دیدار با مالکی: خواهان برقراری دموکراسی جامع در عراق هستیم



رئیس‌جمهوری آمریکا در دیدار با نخست‌وزیر عراق تاکید کرد تا یک دموکراسی جامع و کامل در کشورش ایجاد کند و اعلام کرد که ایالات متحده با عراق در حالی که تلاش می‌کند تا به شبه‌نظامی‌گری القاعده پایان دهد، همکاری می‌کند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، در حالی که عراق در حال تجربه کردن موج جدیدی از افزایش خشونت‌های فرقه‌ای در دو سال گذشته و پس از خروج نیروهای آمریکایی از این کشور است، نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق به واشنگتن رفت تا از آمریکا برای مقابله با شبه‌نظامیان در کشورش کمک بگیرد.

باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا در دفتر خود در کاخ سفید اشاره‌ای به تامین هلی‌کوپترهای آپاچی ساخت آمریکا به عراقی‌ها نکرد.

در بیانیه‌یی که از سوی واشنگتن و بغداد منتشر شد، آمده است: هر دو طرف مذاکره توافق کردند که نیروهای عراقی بلافاصله نیازمند تجهیزات بیشتر برای انجام عملیات در مناطق دور افتاده‌ای هستند که اردوگاه‌های شبه‌نظامیان در آنجا مستقر شده است.

اوباما در ادامه صحبت‌هایش با مالکی افزود: ما مذاکرات زیادی را درباره چگونگی همکاری با عراق به منظور مقابله با سازمان تروریستی القاعده انجام دادیم. القاعده نه تنها برای عراق بلکه برای تمام منطقه حتی آمریکا تهدیدی جدی محسوب می‌شود.

وی بر اظهارات خود درباره نیاز عراق به منظور برداشتن گام‌هایی به سوی یک دموکراسی جامع و کامل تاکید و تمرکز کرد و گفت: این دموکراسی کامل و جامع شامل مهیا کردن اقداماتی به منظور برگزاری یک انتخابات آزاد و عادلانه در سال آتی میلادی است. به طوری که افراد بتوانند از طریق سیاست نه خشونت اختلافات خود را از میان بردارند و حل و فصل کنند.

مالکی نیز افزود، وی و اوباما درباره چگونگی مقابله با تروریسم به گفت‌وگو پرداخته و اعلام کرد که خواهان تقویت دموکراسی در عراق است.

نخست‌وزیر عراق در ادامه صحبت‌هایش گفت: ما خواهان مکانیسم دموکراسی چون برگزاری انتخابات هستیم و می‌خواهیم این انتخابات در زمان مقرر برگزار شود و دولت بغداد نیز به انجام آن متعهد است. مالکی ادامه داد: دموکراسی باید قوی باشد و ما به دنبال تقویت آن هستیم چرا که تنها راهی است که به ما اجازه می‌دهد تا به مقابله با تروریسم بپردازیم.

روزنامه آبزور: پاکستان در سیاست دفاعی خود باید از ایران تبعیت کند



تهران - تارنمای «پک آبزور» روزنامه آبزور پاکستان روز شنبه در گزارشی از کراچی به اشفاق شریف خواستار تبعیت پاکستان از سیاست‌های دفاعی ایران شد.

در این گزارش کوتاه آمده است: نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان در دیداری که به تازه‌گی بارک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا داشت عازانه از وی خواست تا حملات هواپیماهای بدون سرنشین آن کشور به پاکستان را متوقف و یا در سیاست خود در این زمینه تجدید نظر کند.

در این گزارش آمده است: گرچه کسی نمی‌داند که آیا این خواسته نخست‌وزیر پاکستان محقق خواهد شد یا خیر؟ ولی این حقیقت را نیز نمی‌توان کتمان کرد که ایران هواپیماهای جنگی مشابه آمریکا که برای جاسوسی حریم هوایی کشورش را نقض کرده بودند را ره‌گیری و ساقط کرده است.

اشفاق شریف با تاکید بر اینکه با این اقدام ایرانیان، دیگر هیچ هواپیماهای بدون سرنشین به خود اجازه نمی‌دهد حریم هوایی ایران را نقض کند افزود: چنانچه پاکستان بخواهد همچون ایران با عزت و افتخار در این جامعه جهانی به حیات خود ادامه دهد، چاره‌ای ندارد جز اینکه مواضع و سیاست‌های ایران را در پیش گیرد.

خان سعید رهبر طالبان پاکستان شد



در پی کشته شدن رهبر طالبان پاکستان، این گروه خان سعید را به عنوان رهبر جدید خود و جانشین حکیم الله محسود انتخاب کرد.

به گزارش خبرگزاری رویترز به نقل از منابع امنیتی آگاه در پاکستان اعلام کرد: در نشستی که روز شنبه میان رهبران طالبان پاکستان برگزار شد، خان سعید الیاس سجناء، از افراد برجسته این گروه و فرمانده طالبان در ایالت وزیرستان جنوبی، به عنوان رهبر طالبان پاکستان و جانشین حکیم الله محسود انتخاب شد.

مقامات امنیتی پاکستان و منابع طالبان گفته اند که حکیم الله محسود، رهبر طالبان پاکستانی در حمله هواپیمای بی سرنشین آمریکایی کشته شد. حکیم الله محسود رهبری این گروه را در سال ۲۰۰۹ بر عهده گرفته بود.

منابع استخباراتی پاکستان روز جمعه (۱۰ عقرب/ ۱ نوامبر) به خبرگزاری‌های خارجی گفتند که حکیم الله محسود، رهبر گروه «تحریک طالبان پاکستان» در حمله یک هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی کشته شد.

دو خبرگزاری رویترز و «دی. پی. ای» آلمان به نقل از منابع طالبان در پاکستان گفته اند که محسود در منطقه قبایلی وزیرستان شمالی هدف قرار گرفت. با این همه، هیچ گونه تاییدی از سوی مقامات حکومت پاکستان و یا ادعای مسئولیت این واقعه در پاکستان و رهبر خلف این گروه در سال ۲۰۰۹ در گزارش نشده است. پیش از این نیز چندین گزارش در مورد مرگ او منتشر شده بود. یک فرمانده ارشد طالبان به خبرگزاری رویترز گفت: «ما با تأسف عمیق تایید می‌کنیم که رهبر ارجمند ما در یک حمله هواپیمای بی سرنشین کشته شد».

همچنان دو مقام آمریکایی که نخواستند نام شان فاش شود، در گفتگو با خبرگزاری‌ها کشته شدن محسود را تایید کردند. کایتلین هایدن، سخنگوی شورای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا گفت که در حال حاضر نمی‌تواند قتل محسود را تایید کند، اما اگر این گزارش‌ها تایید شود، این ضربه بزرگی بر طالبان پاکستانی است.

حکیم الله محسود هنگامی رهبری «تحریک طالبان پاکستان» را بر عهده گرفت که بیت الله محسود، بنیانگذار و رهبر خلف این گروه در سال ۲۰۰۹ در

یک حمله هواپیمای بی سرنشین کشته شد. در ماه می، حمله هواپیمای بی سرنشین فرد شماره دوم محسود را کشت؛ و ماه گذشته نیز یکی از فرماندهان او در افغانستان دستگیر شد.

حمله بر قرارگاه روستایی

منابع به خبرگزاری رویترز گفتند که محافظ محسود و راننده او از جمله ۲۵ نفری است که بر اثر شلیک چهار راکت توسط یک هواپیمای بی سرنشین در «دنده دریا خیل» کشته شدند.

این روستا در پنج کیلومتری شهر مرکزی «میرانشاه» در ایالت وزیرستان شمالی موقعیت دارد.

ایالات متحده برای سر محسود پنج میلیون دالر تعیین کرده بود، به خاطری که او به قتل هفت کارمند سازمان استخبارات این کشور (سیا) متهم بود. محسود در تصاویر ویدیویی مراسم بدرقه یک بمبگذار انتحاری اردنی که هفت کارمند استخبارات آمریکا را در سال ۲۰۰۹ کشت، دیده شده بود.

مخالفت با حمله هواپیمای بی سرنشین

حملات هواپیماهای بی سرنشین در حالی در پاکستان انجام می‌شود که حکومت این کشور گفته است گفتگوهای صلح را با طالبان پاکستانی آغاز کرده است. چهارشنبه گذشته، وزارت دفاع پاکستان اعلام کرد که در ۳۱۷ حمله هواپیمای بی سرنشین آمریکایی که از سال ۲۰۰۸ تاکنون در مناطق قبایلی انجام شده اند، ۶۷ فرد ملکی و ۲۱۰۶ جنگجو کشته شده اند.

این در حالی است که این گونه حملات با اعتراض مردم پاکستان روبرو بوده است. نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان در دیدار اخیر خود از واشنگتن، از بارک اوباما خواست تا حملات هواپیمای بی سرنشین متوقف شوند.

فارین پالیسی - بخش دوم و پایانی

خلأ قدرت در خاورمیانه

کرده‌اند تا اینکه در زمینه سیاسی نیز خوب عمل کنند. مثال‌های کمی وجود دارد که جنبش‌های اعتراضی منجر به یک انتقال قدرت موثر به احزاب سیاسی، جامعه مدنی قدرتمند و یا الگوی پایدار مشارکت سیاسی مثبت شده باشند.

جنبش تهرانی مصر بدترین مسیر طی شده را نشان داد که در آن جنبش‌های مردمی از حالت سیاسی خارج و خنثی شده و به نفع دولت مهار گشته‌اند.

این پراکندگی قدرت تقریباً بر هر ابتکار عمل دیپلماتیک موجود سایه افکنده است. کنفرانس ژنو ۲

سوریه حتی اگر که برگزار شود به دلیل دشواری جمع کردن نمایندگان مخالفان سوریه برای آنکه به نام آنها مذاکره کرده و هرگونه معاهده‌ای را اعمال کنند، به تعویق افتاده است.

تشکیلات خودگردان فلسطین نیز حتی اگر که بتواند برخلاف انتظار در مذاکرات فعلی با اسرائیل به توافق برسد از وضعیت خوبی برخوردار نیست.

گفت‌وگوی ملی یمن نیز از تحولات سراسر این کشور جدا است. این مساله اشتیاق نسبی برای دیپلماسی با ایران را نیز نشان می‌دهد که در آن دست کم احتمال یک دولت شایسته که بتواند به یک توافق برسد وجود دارد.

اما چه کاری را می‌توان در قبال این آسیب‌شناسی‌های مرتبط با پراکندگی قدرت در همه سطوح نشان داد؟ مطمئناً پاسخ این است که نباید به طور متغایانه به نام ثبات، استبداد تجدید شده را بپذیریم. هر شرایطی که در گذشته دیکتاتورها را با ثبات می‌کرد از بین رفته است و وجود ندارد و واشنگتن اگر که از آنها حمایت کند، چه در قاهره و چه در بغداد و دمشق و ریاض شکست خواهد خورد.

مشکل مدیریت ائتلاف‌ها که این تنش آن را به وجود آورده احتمالاً همانطور که ما وارد دوران‌های دشوار در تقریباً هر بحران منطقه‌ای می‌شویم بدتر خواهد شد.



فقدان مشروعیت آنهاست نه نشانه قدرت جدید. اما یک بار دیگر می‌بینیم که قدرت از دست رفته دولت‌ها به سمت نیروهای سیاسی جایگزین و اجتماعی نرفته است.

اخوان‌المسلمین که به طور سنتی قدرتمندترین و سازماندهی شده‌ترین نیروی مخالف در اغلب کشورهای عربی بود به دلیل فاجعه مصر از هم پاشیده شده و با جدی‌ترین بحران موجودیت خود در نیم قرن گذشته رو به روست.

همچنین هیچ نیروی جایگزین واحد مشخصی نیز وجود ندارد که زمام شهروندانی را که تمایلات اسلام‌گرایانه دارند به دست بگیرد.

ظاهراً قدرت جنبش‌های سلفی و حضور علنی آنها در حال افزایش است اما آنها نیز سازماندهی نشده بوده و در داخل خود اختلاف دارند و باید تلاش کنند تا قلمرو خود را از پایگاه‌هایشان گسترش داده و غیر اسلام‌گرایان را نیز مطمئن کنند.

در این میان انواع جنبش‌های الهام گرفته شده از القاعده به لطف جنگ سوریه، ضعف دولت این کشور و منازعات رقبای اسلام‌گرا نوعی بازگشت را نشان داده‌اند. اما این نیز نباید اغراق شود. چنین جنبش‌هایی همچنان در حاشیه بوده و ارتباطات ضعیفی دارند. در این میان جنبش‌های مردمی جدید نیز فقط خود را در زمینه اعتراضات بهتر عمل

در مصر جنرال السیسی به دنبال اعمال مجدد تسلط دولت از طریق یک کودتای نظامی بود در حالی که اکنون امیدوار است از طریق یک نمایش سازماندهی شده با یک انتقال قدرت دموکراتیک در خارج نیز آن را مشروع سازد. اما هیچ‌کس نباید فریب بخورد. نبوغ السیسی در این بود که خشم مردم خشمگین مصر را به جای دولت و یا هر سپر بلای دیگری که میتوانست حتی کمونیست‌ها، شیعیان و یا یهودیان باشد علیه دشمن داخلی خود یعنی اخوان المسلمین هدایت کند. این گروه‌ها در صورتی که اخوان المسلمین خود را تبدیل به یک هدف نمی‌کرد می‌توانستند چنین نقشی داشته باشند.

اما این اقدام در بلند مدت کارایی نخواهد داشت به ویژه برای دولتی که کاملاً ناتوان از تامین رشد اقتصادی، اتفاق نظر سیاسی و امنیت شخصی است. مصر متعلق به السیسی از همان شکست‌های اقتصادی مدیریتی و نهادی که حسنی مبارک و محمد مرسی را کنار زد رنج خواهد برد.

همچنین دولت‌های غیر انتقالی منطقه نیز ظاهراً وضعیت بهتری دارند اما شاید تنها چند درجه بهتر باشند. پادشاهان اردن و مراکش همچنان در قدرت باقی هستند. حتی ایمن‌ترین رهبران خلیج فارس نیز به حدی به لرزه درآمدند که مجبور شدند شاعران و شهروندانی که در توئیتر علیه آن‌ها شوخی می‌کردند را به زندان بیاورند.

مقامات بحرین که کمترین امنیت را احساس می‌کنند، اقدام به سفارش نارنجک‌های گاز اشک‌آور در تعدادی حتی بیشتر از تعداد شهروندان خود کردند. عربستان نیز در حالی خود را به عنوان قدرت منطقه نشان می‌دهد که از موضع داخلی متزلزل برخوردار است و هنوز احتمال انتقال رهبری قریب‌الوقوع در این کشور وجود دارد.

حتی قدرتمندترین کشورهای عربی باقیمانده نیز نمی‌توانند جلوی اعتراض شهروندان خود را بگیرند. بازگشت به سرکوب‌گری نشانه ضعف عمیق و

بخش سوم و پایانی

پراکنده نویسی‌هایی در باب فلسفه

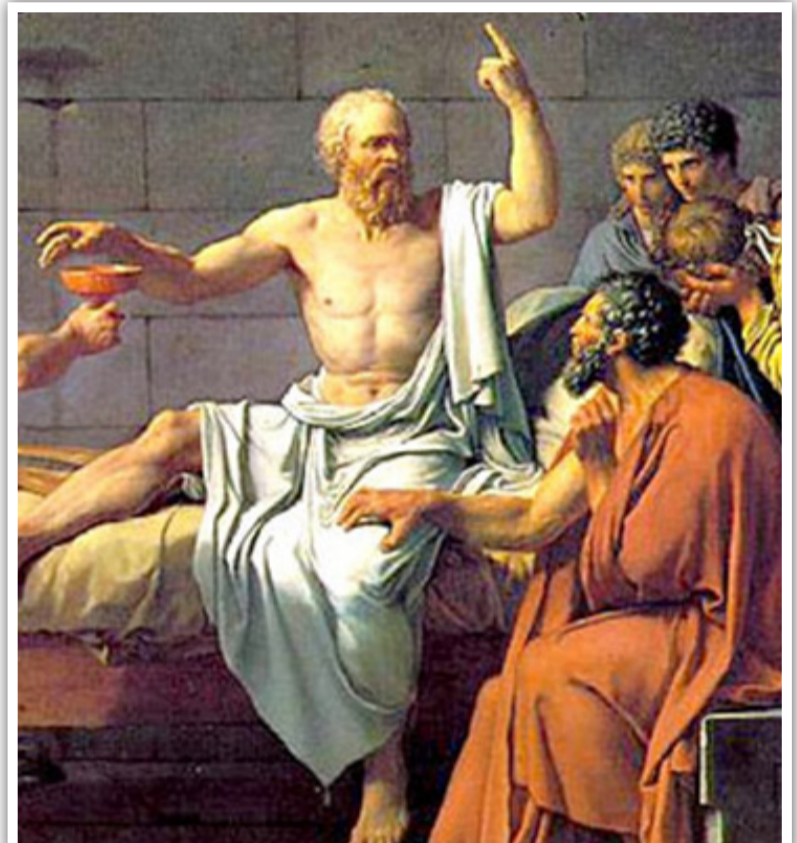
پویان فخرایی

ج: نتیجه علمی:

حال که نگاه نظری‌مان به مقدماتی در باب فلسفه پایان گرفته، به داستان شکل‌گیری فلسفه خواهیم پرداخت و تمام نتایج عملی آن را در حد مورد بحث قرار خواهیم داد.

داستان چه‌گونه‌گی به وجود آمدن و تحلیل آن در کتاب مسایل تاریخ فلسفه (تئودور اوی زمران، ترجمه پرویز بابایی) این‌گونه شرح آمده است:

تضاد ما بین باورهای سنتی و اندیشه‌های فلسفی خود را نمایان کرده است که باور فلسفی از ایمان کورکورانه ناشی نشده است و استوار بر یک شناخت است، هرچند این شناخت سست و ناپخته باشد... در نظر نگارنده، تحلیل این قسمت از تاریخ که شاید مهم‌ترین نقطه تاریخ مابعد تاریخ است، نقش مخرب عقل لاهوتی اسطوره‌باور سنت‌محور، در حرکت نکردن به سوی توسعه است. شک، سوال، جرأت پرسیدن آن و سپس تحلیل و نقد جواب؛ در نهایت شناخت حاصل از این فرایند؛



کلید اسطوره‌زدایی، عقل و پیشرفت است. زمران در این کتاب جمله‌یی را بر نقل جمله‌یی بر نقل از هگل می‌آورد: "اسطوره‌شناسی ناتوانی اندیشه است در استوار ساختن خود به طور مستقل". اگر جرأت کنیم که شک کنیم چون ابراهیم

در یونان باستان مسایل غیر قابل فهم در سنت اسطوره‌شناسی جای می‌گرفتند چرا که عقل منسوب به ایشان بوده است. نگرش اسطوره‌یی به جهان ایدیولوژی نخستین نظامی جماعتی بی‌طبقه را شکل می‌داد که در آن اسطوره به عنوان دینی هنرواره شکل یافته بود. (که بعدها فیلسوفان از آن تعبیری طبیعت‌گرایانه به عمل آورده‌اند). در این جامعه بی‌طبقه، قبیله فکر می‌کرد و فرد به گونه‌یی غریزی آن را می‌پذیرفت پس اندیشه فردی ضرورتی نداشت. پیدایش فلسفه، مقارن است با دوره شکل‌گیری جامعه طبقاتی و فیلسوفان در نخستین گام با این نظام اسطوره‌یی درافتادند.

تا قبل از آن، اساطیر به همه پرسش‌ها پاسخ می‌گفت. پس فرد لازم نبود از خود بپرسد عقل یعنی چه؟ با ظهور فلسفه، اندیشه انسان جای‌گزین اسطوره‌ها و پیش‌گویی‌های جادوگرانه شد. پراکندن اندیشه‌یی مستقل از اسطوره و جهان‌بینی انتقادی در آن روزگار کاری بود انقلابی و می‌توان تصور کرد حکم ایشان در حکم کافران حربی بوده است.

پیدایش فلسفه در یونان باستان، هم‌زمان با گسترش این باور است که به خرد هم‌چون آرمان شناخت در رفتار می‌نگرد که از راه کوشش‌های خود انسان به دست تواند آمد و بدون آن زنده‌گی نه ارزش زیستن دارد و نه شرافت‌مندانه است.

از نظر زمران این تضاد میان ایمان کورکورانه و شناخت دستاورد خود، در

کردن هستند.

در نگاهی دیگر به کاربرد فلسفه می‌توان به رشته فلسفه برای کودکان اشاره کرد. سعید ناجی در مصاحبه‌یی می‌گوید: علل پردازش داده‌ها و اطلاعات (تفکر فلسفی) در غرب با برنامه‌یی به نام فلسفه برای کودکان که شامل آموزش سه عمل داوری، استدلال و تمییز است، [آن است که می‌خواهند] نسل‌های آینده خود را پرورش دهند. چنان‌که شنا را باید در حوض یاد گرفت و نمی‌توان صرفاً با چاپ مطالب درباره شنا یا تمرین در خشکی شنا کردن را یاد گرفت، اندیشیدن را نیز نمی‌توان با چاپ مطالب فلسفی و خواندن آن یاد گرفت. در زمان خواندن فقط یک سری داده دریافت می‌کنیم، ولی جنس تفکر کردن از جنس داده‌ها نیست و اگر نتوانیم داده‌ها و اطلاعات را خود را مانند کمپیوتر پردازش کنیم، آن داده‌ها به درد نخور باقی می‌مانند.

او اضافه می‌کند هربرت مید می‌گوید: «نمی‌توان به کودکان یاد داد که اجتماعی شوند، بلکه باید امکان اجتماعی شدن آن‌ها را فراهم کرد تا این‌که آن‌ها شروع به یادگیری نمایند. ما اگر بتوانیم کودکان را در جمعی قرار دهیم تا در آن به تمام تفکر، کار جمعی، داوری خوب و تمییز عادت دهیم و وقتی آن‌ها به عنوان شهروند وارد عرصه فعالیت اجتماعی می‌شوند، افراد معقولی خواهند بود. البته این نیاز به تمرین دارد.»

تمرین مهم‌ترین رکن تفکر فلسفی است. تمرین باید به قدری انجام شود که استدلال‌های درست به صورت عادت در بیایند. مهارت‌های فکری تنها با کتاب خواندن و فیلم دیدن درست نمی‌شود، بلکه در صحنه عملی تمرین‌ها، شکست‌ها و موفقیت‌ها، باید به یادگیری این مهارت‌ها پرداخت. افراد باید در تمرین‌های واقعی شرکت کنند و از شکست نهراسند.

مخرج کلام: نگارنده با پوزش از مطالب معیوب و ناقص خود، با نوشتن این کوتاهه تنها قصد معرفی چند منبع را داشته است و شاید تنها ارزش کارش همین باشد.

تمرین، مهم‌ترین رکن تفکر فلسفی است. تمرین باید به قدری انجام

شود که استدلال‌های درست به صورت عادت دربیایند. مهارت‌های

فکری تنها با کتاب خواندن و فلم دیدن درست نمی‌شود، بلکه در

صحنه عملی تمرین‌ها، شکست‌ها و موفقیت‌ها، باید به یادگیری این

مهارت‌ها پرداخت. افراد باید در تمرین‌های واقعی شرکت کنند و از

شکست نهراسند

منابع:

- روزنامه اعتماد ملی: شماره ۳۳، مصاحبه با سعید ناجی، سپیده یوسفی
- مسایل تاریخ فلسفه، ترجمه پرویز بابایی، موسسه انتشارات نگاه
- فلسفه دکتر علی شریعت‌مداری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- فلسفه چیست، نوشته منوچهر بزرگ‌مهر، انتشارات فردوسی
- زمینه تاریخ فلسفه، نوشته ای. خلیلیچ، ترجمه هرمزان، انتشارات ایده
- سیر حکمت در اروپا، نوشته محمد علی فروغی، انتشارات هرمس.

بخش نخست

کشیدن دندان عقل موجب مرگ می‌شود؟



کشیدن دندان عقل، یکی از جراحی‌های شایعی است که می‌تواند برای هر کسی در هر دوره‌یی از زنده‌گی پیش بیاید. جدا از پرسشی که اغلب درباره لزوم کشیدن دندان عقل به میان می‌آید، جراحی کشیدن دندان عقل با وجود ساده به نظر رسیدنش، تا کنون باعث مرگ تعدادی از افراد شده است. دلایل مرگ بر اثر این جراحی در برخی مواقع نامشخص مانده است، مانند موری که برای مارک لپینسکی پیش آمد.

خانواده مارک هیچ‌وقت فکر نمی‌کردند پسر جوان و ۲۵ ساله خود را فقط به دلیل کشیدن دندان عقل از دست بدهند. با وجود آن‌که دوستان مارک با خبر کشیدن جراحی دندان عقل مارک، روزهای سختی را برایش پیش‌بینی می‌کردند، حتا فکرش را هم نمی‌کردند این جراحی به مرگ دوست‌شان بینجامد؛ کاری که ۵ میلیون امریکایی در سال آن را انجام می‌دهند و یک عمل فوق‌العاده ساده است. پزشکان دلیل مرگ مارک را هنوز مشخص نکرده‌اند، اما فرضیه‌هایی در این مورد وجود دارد.

داستان چه بود؟

مارک لپینسکی، جوان ۲۵ ساله برای جراحی دندان عقلش اقدام کرد. با این‌که مارک ترسی از کشیدن دندان نداشت، اما در یکی از شبکه‌های اجتماعی نسبت به درد و سختی این کار، ابراز ناراحتی کرد. دوست مارک هم در پاسخ برایش نوشت: «کشیدن دندان عقل خیلی دشوار است و باید چند روزی را درد کشید!» مارک هم در جواب نوشت: «از دلداریات ممنونم!» بالاخره او به دندان‌پزشک مراجعه کرد اما حین جراحی، اتفاق غیرمنتظره‌یی برایش افتاد. او حین جراحی به شدت به سرفه افتاد طوری که پزشک تصمیم گرفت برایش داروی قوی پروپوفول تجویز کند. اما حال مارک رو به وخامت گذاشت، طوری که پزشک مجبور به انتقال مارک به شفاخانه شد؛ جایی که مارک بعد از ۳ روز جان سپرد.

چه اتفاقی افتاد؟

چیزی که بسیار تکان‌دهنده به نظر می‌رسید این بود که مارک مرد سالم و سرحالی بود و حتا سگرت هم نمی‌کشید، ولی حالا طی عملیات معمول کشیدن دندان عقل، جان خود را از دست داده بود. خانواده مارک معتقدند، مردن کسی بر اثر کشیدن دندان امکان ندارد. با توجه به گزارش‌های رسیده، وقتی مارک به سرفه افتاد و به او دارو دادند، دچار قطع تنفس شد، به همین دلیل گروه متخصص به سرعت وارد عمل شد و عملیات احیا را شروع کردند. حین عملیات احیا آن‌ها ۲ عدد گاز استریل جراحی را در راه هوایی مارک پیدا و سعی کردند با برداشتن آن‌ها راه هوایی را باز کرده و لوله تنفسی برایش بگذارند. اما در نهایت تمام تلاش تیم پزشکی به نتیجه نرسید و بعد از ۳ روز مارک در شفاخانه جان سپرد.

علت چه بود؟

بعد از این اتفاق، پزشکان از خانواده مارک درباره وضعیت سلامت او و داروهایی که احیانا استفاده می‌کرد، سوال کردند. دندان‌پزشک مارک توضیح زیادی درباره کل ماجرا نداد اما وکیلش درصدد دفاع از او برآمد و گفت: «این پزشک همیشه بالاترین سطح مراقبت‌های جراحی دهان را برای بیمارانش در نظر می‌گیرد. با این حال، دنیای جراحی‌های امروز بدون خطر نیست. بعد از آن‌که حال مارک رو به وخامت گذاشت، اقدامات احیا انجام شده است. هرچند تمام پروتکل‌های استاندارد مورد بررسی قرار گرفته، دلیل وخامت شرایط این بیمار ناشناخته است.»

پزشکی قانونی لاس‌آنجلس قرار است جسد مارک را کالبدشکافی کند تا به علت مرگ پی ببرد.



یعقوب یسنا
بخش دوم

نمادین شده‌گی خورشید و شب را می‌توان از نخستین شعرهای پرتو نادری تا اکنون پی گرفت. این دو نماد، از مهم‌ترین نرم‌ابزارهایی بوده‌اند که شاعر از جهان هم‌چون خیر و شر مفهوم ارابه کرده است:

...
ما از تبار آتش و نوریم
دل‌بسته‌گان معبد خورشید
ما را به سر هوای نیایش نیست
بر بارگاه تیره تاریخ
...
(سوگ‌نامه‌یی برای تاک/ حادثه/ ۱۷)

شاعر برای ملموس کردن نماد خورشید و شب به عنوان خیر و شر، تشبیه‌های تلمیحی خورشید و شب را با شخصیت‌های انسانی - اساطیری برقرار می‌کند تا در جهان انسانی نیز مرز خیر و شر، و مرز بین انسان‌های پیرو نیکی و روشنایی، و انسان‌های پیرو تاریکی و ظلمت را مشخص کند:

...
آفتاب - رستمی‌ست در چاه -
که در هجوم خنده‌های مضحک شغاد مرگ
از هوش رفته است
...

(آن سوی موج‌های بنفش / آن سوی موج‌های بنفش / ۴۵)
نمادین شده‌گی شب و روز، چنان در شعرهای پرتو نادری گسترش پیدا می‌کند که شب و روز (خورشید) به عنوان دو اراده مطلق و زنده، در پی توسعه خیر و شر در جهان استند. هم خورشید و هم شب، دو موجود زنده در شعر تصور شده است که گاهی خورشید بر شب چیره می‌شود و شب را به بند می‌کشد، و گاهی شب بر خورشید چیره می‌شود و خورشید را به بند می‌اندازد:

...
من از زمستان‌های دوری گذشته‌ام
و می‌دانم
که هیچ شب‌زنده‌داری
صدای سرفه خورشید را
از آن سوی تپه‌های ظلمت
نشنیده است
...

(آن سوی موج‌های بنفش / در کوچه‌های یخ‌زده کسوف / ۷۰)
روایت نمادین روشنایی و تاریکی را می‌توان به عنوان دو امر ازلی متافیزیکی (که خیر و شر، ناشی از اراده این دو سوپرحقیقت متافیزیکی است) در تمامی مجموعه‌های شعری پرتو نادری، دنبال کرد که در شعرهای شاعر، این دو نماد، جهان‌شناختی متافیزیکی شعرها را ماهیت بخشیده است، و به شعرها هستی‌شناسی متافیزیکی بخشیده است که می‌شود گفت شعرهای پرتو از این نظر، تداوم تحول‌یافته متن‌های اوستایی‌ست که در روزگار ما خودشان را در شعر، نمایش داده است:

...
شب برهنه است
شب بازوان سیاهش را
دور گردن من حلقه کرده است
و پستان‌هاش - خریطه‌های متورم -
در کاسه روشن چشمان من
چکه چکه می‌ریزد
...

(تصویر بزرگ آیینة کوچک / در افق تبعید / ۸۱)

...
در پشت هفت کوه بدنامی
که عمری‌ست حقیقت خورشید را
برای کرگسان ظلمت فشرده قرون
مثله کرده است
...

(تصویر بزرگ آیینة کوچک / چه‌گونه می‌توانم بیعت کنم / ۸۵)

...
آسمان مرده است
و خورشید را به زمین تبعید کرده‌اند
تاریکی
در چراگاه ستاره‌گان
خیمه افراشته است
و گوسفندان حادثه
دنبه انداخته‌اند مثل آسیاسنگ
...

(دهکده بی‌مداد / شاید هنوز دیوانه‌یی باشد / ۱۴)

پرتو نادری در وسط امر

((نوشتن شعر))



است و برای تداوم تاریخش، ملت را گرسنه نگه داشته است:

...
من از زمستان‌های دوری گذشته‌ام
و دست‌انم
در مقابل نزدیک‌ترین دکه نانوايي
سکه‌هایی را می‌شمارند
که پادشاه فقر
بر دو سوی آن
گرسنه‌گی را ضرب زده است
وقتی هر شام
با یک بغل گرسنه‌گی به خانه برمی‌گردم
کودکانم مفهوم جغرافیای هیچ را
از خطوط شکسته دستان من
به حافظه می‌سپارند
...

(آن سوی موج‌های بنفش / در کوچه یخ‌زده کسوف / ۶۷)
تاریخ ما بیانی از وحشت‌نامه ما است؛ وحشت‌نامه‌یی که عقلانی نشده‌گی ما از زنده‌گی را به نمایش می‌گذارد. در برابر چنین تاریخی، سیاست‌مدار با موضع‌گیری ویژه خویش، جامعه‌شناس با موضع‌گیری ویژه خویش، و شاعر با موضع‌گیری ویژه خویش می‌ایستد.

لازم می‌دانم تا به برداشت سطحی ادبیات‌شناسان و منتقدان ما از ارتباط شعر با سیاست، تاریخ و جامعه اشاره کنم و تصور خودم را از این ارتباط بیان کنم و با تصور خودم از این ارتباط، به توضیح شعرهایی بپردازم که پرتو نادری با آن شعرها با سیاست، تاریخ و جامعه، گفت‌وگو انجام داده است.

انسان برخوردارهایی متفاوت با طبیعت، چیزها و جهان دارد که یکی از این برخوردارها؛ برخورد دانایی جادویی انسان با طبیعت، چیزها و جهان است. من این دانایی جادویی را هنر می‌نامم. هنر در کل، با دانایی جادویی‌اش در پی حفظ و نگاهداری جهان است نه در پی تغییر جهان. اما سیاست، اقدامی‌ست در پی تغییر جهان. بنابراین، برخورد سیاست با جهان، برخوردی‌ست غیر نمادین، عقلانی، مشخص و مدیریتی برای کاهش مشکلات و رنج آدمی. برخورد هنر با جهان، برخوردی‌ست نمادین، جادویی، عاطفی و غیر عقلانی. مراد از غیر عقلانی، دیوانه‌گی، جنون، وحشت و ترور نیست؛ بلکه منظور از غیرعقلانی، صورت تفکرهایی‌ست که دانایی‌های اساطیری و عاطفی بشر را در بر می‌گیرد، و کلاً ارزش‌گذاری‌های خیر و شر از جهان بر همین صورت تفکر، استوار است؛ زیرا خیر و شر از جهان، دریافت‌های عاطفی‌ست، از جامعه‌یی تا جامعه‌یی تفاوت می‌کند و مفهوم بنیادین انسان را صورت تفکرهای عاطفی‌اش شکل می‌دهد.

انسان از طریق هنر با جهان گفت‌وگو انجام می‌دهد. شعر نیز هنر است؛ هنر دانایی جادویی انسان از واژه‌ها و زبان. هنر شعر، رابطه انسان را با واژه‌ها و زبان نمادین می‌کند و این نمادین شده‌گی زبان، زبان را از شیء شده‌گی، فقط برای ارتباط، و از تقلیل یافته‌گی زبان فقط برای افهام و تفهیم هم‌چون یک امر اجتماعی به عنوان دادوستد، جلوگیری می‌کند. این عدم تقلیل یافته‌گی زبان، به زبان امکان می‌دهد که با بُعد هنری‌اش که شعر باشد، دانایی از خودش و از جهان ارابه کند و در نهایت، دانایی‌یی را از طبیعت، چیزها، انسان، رویدادهای طبیعی، رویدادهای انسانی و زبان ارابه کند که امر جهان و هستی را بر واقعیت طبیعت، خلق کند، و خانه معرفتی انسان نه طبیعت، بلکه همین امر برساخته به‌نام جهان و هستی باشد که توسط دانایی جادویی زبان، ساخته (جعل) شده است.

اما ما بی آن‌که به امر بنیادین دانایی هنر از شعر پی ببریم، شعر را تقلیل می‌دهیم به شعر سیاسی، شعر اجتماعی، شعر اخلاقی، شعر مقاومت و...؛ و می‌گوییم که هنر و شعر اگر در خدمت اجتماع و سیاست نباشد پس در خدمت چه باشد، و شانه‌مان را بالا می‌اندازیم و با تمسخر می‌گوییم «هنر برای هنر دیگه چه می‌تواند باشد؟»؛ درحالی که هنر برخورد و گفت‌وگوی خاص خودش را با طبیعت، چیزها، انسان و رویدادهای انسانی انجام می‌دهد و با این گفت‌وگو، دانایی خاصی را ارابه می‌کند. این دانایی خاص، بخش مهمی از دانایی و آگاهی انسان را به عنوان جهان از طبیعت، ارابه می‌کند.

انسان برخوردارهایی متفاوت با طبیعت، چیزها و جهان دارد که یکی از این برخوردارها؛ برخورد دانایی جادویی انسان با طبیعت، چیزها و جهان است. من این دانایی جادویی را هنر می‌نامم.

هنر در کل، با دانایی جادویی‌اش در پی حفظ و نگاهداری جهان است نه در پی تغییر جهان. اما

سیاست، اقدامی‌ست در پی تغییر جهان. بنابراین، برخورد سیاست با جهان، برخوردی‌ست

غیر نمادین، عقلانی، مشخص و مدیریتی برای کاهش مشکلات و رنج آدمی. برخورد هنر با

جهان، برخوردی‌ست نمادین، جادویی، عاطفی و غیر عقلانی. مراد از غیر عقلانی، دیوانه‌گی،

جنون، وحشت و ترور نیست؛ بلکه منظور از غیرعقلانی، صورت تفکرهایی‌ست که دانایی‌های

اساطیری و عاطفی بشر را در بر می‌گیرد، و کلاً ارزش‌گذاری‌های خیر و شر از جهان بر همین

صورت تفکر، استوار است؛ زیرا خیر و شر از جهان، دریافت‌های عاطفی‌ست، از جامعه‌یی تا

جامعه‌یی تفاوت می‌کند و مفهوم بنیادین انسان را صورت تفکرهای عاطفی‌اش شکل می‌دهد

این، این «دیگری بزرگ» را می‌توان به برداشت فوکو از «قدرت و دانش» نیز پیوند داد. قدرت برای حفظ خود، دانش را مدیریت می‌کند تا این دانش، قدرت را توجیه کند؛ و درکل، ایدیولوژی به عنوان «دیگری بزرگ» در برابر فرد انسان شکل بگیرد. افراد بی آن‌که بدانند این دیگری بزرگ، یک ایدیولوژی است؛ عضویت این دیگری بزرگ را به عنوان هویت می‌پذیرند. اما افرادی با این دیگری بزرگ، تصادم می‌کنند و این دیگری بزرگ را توهمی می‌دانند که برای اقتدار کلیت‌بخشی، تفاوت‌های فردی و انسانی را قربانی توهم اکثریت‌باوری ایدیولوژی خویش می‌کند.

پرتو نادری در گفت‌وگو با این «دیگری بزرگ» خویش، نسبتاً دگراندیش و منتقد این دیگری بزرگ خود بوده و کوشیده است مصیبتی را که این دیگری بزرگ ما بر اعضای انسانی‌اش روا داشته است، با واقع‌گرایی نمایش بدهد و مسوولیت برخورد هنری خویش را با تاریخ و سیاست این دیگری بزرگش، حسابی روشن نگه دارد:

...
دلم برایش سوخت
بیچاره نمی‌دانست
که مهربانی خدا را
تفنگ‌داران سرزمین غنیمت
دیری‌ست تاراج کرده‌اند
(آن سوی موج‌های بنفش / غنیمت / ۷۲)

این تفنگ‌داران سرزمین غنیمت، «دیگری بزرگ» ما است؛ دیگری‌یی که همیشه برای حفظ خویش، انسان کشته

...
دستان سخاوت خورشید
در جیب ظلمت می‌پوسید.
...

(دهان خون‌آلود آزادی / در کوچه‌های یخ‌زده کسوف / ۴۱)

...
در این گریوه تاریک
آفتاب خرگوش زخم‌خورده‌یی‌ست
که خونش در آن سوی تپه‌های کسوف
خطی به سوی مرگ کشیده است
...

(لحظه‌های سربی تیرباران / تک‌درخت / ۶۲)

از این نمونه‌ها در شعرهای پرتو نادری کم نیست، و معرفت بنیادین جهان‌شناختی شعرها را شکل می‌دهند؛ که این شکل‌بخشی معرفتی، شعرها را از نظر جهان‌شناختی، کهن الگوگرایانه کرده است. تبارز امرهای کهن الگوگرا به ناخودآگاه‌های جمعی ارتباط می‌گیرد؛ بنابراین، پرتو نادری از معرفت ناخودآگاه عمومی سخن می‌گوید.

گفت‌وگو با تاریخ، سیاست و جامعه یا «دیگری بزرگ» هر فرد «خود»ی دارد که این خود او، در ارتباط با «دیگری» به عنوان هویت شکل می‌گیرد که «مکالمه‌ی باختن و مرحله آیینه‌یی» لاکان به این «دیگری» اشاره دارد. تاریخ، سیاست و جامعه، دیگری بزرگ انسان استند که در پی ارابه انسان به عنوان امر کلی استند؛ اما این امر کلی، یک توهم است و با ایدیولوژی‌ها شکل می‌گیرد. بنا بر

ولسي د افغان طالبانو مشران د بي پيلوټه الوتكو هدف نه گرځي؟

په داسې حال کې چې د پاکستانی طالبانو مشر حکیم الله معسود له خپلو پنځو ملگرو سره د امریکا د بي پیلوټه الوتکې په برید کې وژل شوی او تر اوسه هېڅ افغان طالب مشر د دې بریدونو ښکار نه دی ګرځېدلی، یوشمېر پوځي شنننډي وايي، چې د افغان طالبانو د مشرانو وژنه د دوی په څېر مهمه نه ده.

هغوی وايي، پاکستانی طالبان د القاعده نېردي ملاتړي دي او له همدې امله د دې بریدونو ښکار ګرځېدلي دي.

د پوځي او سیاسي چارو شنننډي جاوېد کوهستاني مانډگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، چې د ترهګرۍ خلاف جګړه تر ډېره تر القاعده شبکې محدودې کړې وه او دغه شبکه په شمالي او سوېلي وزیرستان کې ډېره ده.

هغه وايي، په شمالي او سوېلي وزیرستان کې افغان طالبان نشته، بلکې یوازې د حقاني شبکه شته او وزیرستان د پاکستانی طالبانو د نفوذ اصلي سیمه ده چې تر ډېره د امریکایي بي پیلوټه الوتکو تر برید لاندې ده.

نوموړی زیاتوي، پاکستانی طالبان د حقاني او القاعده شبکې ټینګ ملاتړي دي له همدې امله ده چې مشران یې د امریکایي بي پیلوټه الوتکو په برید کې وژل کېږي.

ښاغلی کوهستاني وايي، افغان طالبان په کوټه، کراچۍ او پېښور کې په امن او ښاري سیمو کې اوسېږي او د پاکستان د ګټو په خلاف نه بلکې تر ډېره د پاکستان د ګټو ساتونکي دي.

خو د ده په اند، چې پاکستانی طالبان د پاکستان د ګټو خلاف او د کورني امنیت په زیان یې دي، لکه څه وخت وړاندې په پېښور کې په یوې کلیسا له بریده یې چې روښانه شوه.

هغه وویل، دغه راز د امریکا له لوري د پاکستانی طالب مشر لطف الله محسود نیول کېدو، چې لوګر

ته د ملي امنیت په مرسته داخل شوی و، د پاکستان شکونه ډېر کړل او د دې لامل شوه چې د حکیم الله محسود د وژنې او د پاکستانی طالبانو د لمنځه وړلو زمینه برابره کړي.

د پوځي چارو دغه شنننډ زیاته کړه، چې حکیم الله محسود په پکتیا، پکتیکا، خوست، غزني، میدان وردګ، لوګر او ځینو نورو سیمو کې د افغانی طالبانو د ډلو مشري کوله، هغوی یې رهبري کول، جګړې ته یې هڅول او نېردي اړیکې یې ورسره لرل او له شک پرته چې د نوموړي وژل کېدل به په دغو ډلو او د هغوی په فعالیتونو یوه اندازه اغېز وکړي.

همدارنګه د پوځي چارو شنونکي جنرال امرالله امان مانډگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، په دې پروسه کې ډېر وګړي وژل کېږي؛ خو ځای یې بېرته ډکېږي، لکه اسامه بن لادن چې ووژل شو او یا هم د پاکستانی طالبانو پخوانی مشر بیت الله محسود چې ووژل شو. هغه وايي، د وګړو او څېرو لرې کېدل او ځای پر ځای کېدلو کې شک نشته؛ خو مهمه او بنسټیزه یې دا ده، چې دوی له کومه ځایه پلان ورکول کېږي، له کومه ځایه سازماندهي کېږي، څه ډول پلان ورکول کېږي او د دغو پلانونو پلي کېدل د پردې د شا خبرې دي.

د نوموړي په خبره، له هغو وګړو نه چې د وسیلې په توګه ترې کار اخیستل کېږي د یوه ټاکلي مهال له پوره کېدو وروسته وژل کېږي.

ښاغلی امان وايي، کله چې اسامه بن لادن ووژل شو، القاعده شبکه ورسره له منځه لاړه نشوه بلکې زیانمنه شوه؛ خو دغه شبکه لا هم شتون لري او وروستی برید یې د امریکا په تکزاس ایالت کې و او د حکیم الله محسود په وژنې سره به که څه هم د پاکستانی طالبانو ډله زیان وويني خو له منځه به لاړه نشي.

د ده په اند، تر هغې چې د طالبانو له منځه وړلو لپاره په نړۍ واله کچه یوه سیاسي اراده پیدا نشي او سیاسي پرېکړه ونشي، نو له منځه نشي تللی او په ځینو وختونو

کې لوی ځواکونه له دغه ډول کسانو نه د خپلو اهدافو لپاره د وسیلې په توګه کار اخلي او مخکې له دې چې کوم هېواد ته داخل شي، دغه ډول خپل وګړي ور استوي او د خپل ځان د ورننوتلو لپاره بهانه جوړوي.

جنرال امرالله امان وویل، دا چې ولي افغانی طالبان د امریکا د بي پیلوټه الوتکو برید نه ګرځي وویل، چې په افغانستان کې ستونزې ډېرې دي او د نړۍ والې ټولنې، امریکا او پاکستان په سر کې ځای لري، د سیمې، نړۍ او په کورنۍ کچه ملي ستونزې شته؛ خو د پاکستان مساله یوازې امنیتي ستونزې دي.

نوموړی زیاتوي، د پاکستان ستونزې ته سیاسي ستونزه هم ویل کېدای شي، یانې که هغه سیمه ډېره نا امنه شي هلته اتومي سرګلولي شته چې د وسله والو سخت دریځو لاس ته لوېدلو له امله یې نړۍ والې انډېښنې هم را ټوکولي دي.

دی وايي، که چېرې پاکستانی طالبان په افغانستان کې له استخباراتي پلوه له ناغېرۍ کار اخلي، یا له افغان حکومت او استخباراتو سره اړیکې ښې کوي، هم وژل کېږي او که هم د پاکستان حکومت ضد جګړې ته لاس اچوي هم وژل کېږي.

د پوځي چارو دغه شنننډ په دې باور دی، پاکستانی طالبانو ته قید دی چې په افغانستان کې به جګړه کوي، که چېرې له دې جګړې سر وغروي وي وژل کېږي.

ښاغلي امرالله امان زیاته کړه، بله دا چې د افغانستان طالبانو مهم کسان نشته، په کوټه شورا کې یوازې اکمالاتي او روزنیز مرکزونه شته، بلکې ډېری مشران یې پاکستان زندان ته اچولي؛ خو له زندانه د ای اېس ای او پاکستانی پوځ په لارښوونه د طالبانو رهبري پر مخ وړي، چې دا امریکا ته مهم نه ښکاري.

نوموړی وايي، که په افغانستان کې نوی تازه حکومت راشي او د پاکستان نوی حکومت دواړه خپلې ملي ګټې په نظر کې ونيسي او د خپلو خلکو د ارادې مطابق عمل وکړي، روانې ستونزې ژر ختمېدای شي.

ملا برادر نمی خواهد...

می‌شود؛ اما تحویل او به دولت حامد کرزی، رئیس‌جمهوری افغانستان که قصد دارد در چند هفته آینده نماینده‌یی برای ملاقات ملا برادر اعزام کند، بعید به نظر می‌رسد.

این مقام افزود: در حالی که سربازان امریکا و ناتو تصمیم گیرنده نهایی در افغانستان هستند، دولت افغانستان در موقعیتی نیست که در خصوص امنیت ملا برادر تضمین‌های مستحکم بدهد. ملا برادر نیز نمی‌خواهد به افغانستان برود و در مناطق تحت کنترل دولت کرزی زندگی کند. بلکه، می‌خواهد به مناطق تحت کنترل طالبان برود.

وی در ماه سپتمبر سال جاری میلادی از زندان پاکستان آزاد شد. آزادی وی به خاطر فشار منسجم دولت افغانستان که خواستار آزادی ملا برادر بود، صورت گرفت. تلاش‌های پاکستان و افغانستان هم اکنون به میزان زیادی به شخصیتی مانند ملا برادر بستگی دارد تا فرآیند صلح متوقف شده با طالبان را در حالی شروع کند که سربازان تحت رهبری امریکا تا پایان سال ۲۰۱۴ آماده عقب‌نشینی از افغانستان می‌شوند و نگرانی‌ها در خصوص امنیت کشور رو به افزایش است.

آژانس‌های اجرای قانون پاکستان اخیراً دولت این کشور را در خصوص نگرانی‌های امنیتی برای ملا برادر مطلع کرده‌اند؛ شخصیتی که افغانستان بر این باور است می‌تواند رهبران میانه‌روی طالبان را به آمدن پای میز مذاکره ترغیب کند و پس از بیش از یک دهه جنگ، صلح را به ارمغان آورد.

یک مقام مهم امنیتی پاکستان اطلاع داد: مقامات پاکستان ممکن است موافقت کنند تا برادر را به ترکیه یا عربستان سعودی بفرستند تا پس از شکست مذاکرات دوحه مذاکرات صلح با طالبان را آغاز کند. افغانستان می‌خواهد برادر به مقامات آنجا تحویل داده شود، اما پاکستان انجام این کار را رد می‌کند.

امریکا و پاکستان...

در افغانستان حمله می‌کند. بی‌اعتمادی این روابط را فرا گرفته که در اصل از یک حمله یک جانبه به خانه اسامه بن لادن، رهبر القاعده نشأت می‌گیرد. اما هنوز پاکستان معتقد است که امریکا به دلیل ناکامی در جلوگیری از تقسیم پاکستان در جریان جنگ داخلی ۱۹۷۱ میلادی به این کشور خیانت کرده است. چنین مسائل دیرینه و عمیقی به سختی فراموش می‌شود.

در اصل برای بهبود حقیقی این رابطه خدشه‌دار بروز رهبری‌های متفاوت در هر دو کشور لازم است. یعنی آنکه که در امریکا ضروری است تا دولتی روی کار آید که اقداماتی بیشتر از حمایت ظاهری از روابط خارجی که ورای حوزه امنیتی است، انجام دهد و در پاکستان ضروری است تا یک دولت مدنی قوی‌تر روی کار آید که بتواند ارتش قوی را جایگزین و راه را برای پایان حمایت‌ها از گروه‌های شبه نظامی ضد هندی و ضد امریکایی هموار کند.

ساجو کورش از رقابت‌های جنوب آسیا منعقدۀ نیپال، نایب قهرمانی تیم ملی باسکتبال دختران در رقابت‌های تاجیکستان، نایب قهرمانی ورزشکاران آشنی‌ها را کاراته از رقابت‌های آسیا اروپا در ترکیه، نایب قهرمانی تیم ملی هندبال ساحلی منعقدۀ سربیلانکا، کسب نایب قهرمانی و مقام سوم ورزشکاران تکواندو آی آی اف از رقابت‌های هندوستان، کسب مقام چهارم تیم ملی بایسکل رانی کشور از رقابت‌های پاکستان، نایب قهرمانی تیم سیزده سال فوتبال کشور درکشور ایران، کسب مقام قهرمانی ورزشکاران پرورش اندام از رقابت‌های قهرمانی جنوب آسیا، قرار یافتن تیم ملی نیوفول کانتکت در ردهٔ سوم مسابقات آذربایجان یاد آوری نمود .

در همان سال (۲۰۱۲) ورزشکاران توانستند برعلاوه مسابقات بیرون مرزی مسابقات داخلی را در بخش‌های فوتبال، والیبال، باسکتبال، تکواندو، کاراته، کرکت، بوکس، کیک بوکسنگ ورزش‌های رزمی، شطرنج، آب بازی، سنوکر، شمشیر زنی، پاور لفتنگ یا مردان آهنین، فوتسال، کبدی، والیبال ساحلی، تنس، بزکشی، مسابقات دوش یا اتلانٹیک ورزش رکی، کانفو، ورزش زورخانه‌یی، پنگ پانگ، آشنی‌ها را کاراته، پرورش اندام، تکواندو آی آی اف و یک‌تعداد مسابقات ورزشی دیگر را درمرکز و ولایات دربخش پسران و اعم در بخش دختران راه اندازی نمودند

ساختن استادیوم‌های ورزشی در برخی از ولایت‌ها به خصوص در ولایت پنجشیر از دست آوردهای اوست.

همچنان در این دور ورزشکاران افغانستان توانستند به بازی‌های المپیک راه پیدا کنند و دستاوردهای بی‌پیشینه‌یی را برای افغانستان بیاورند، از آن میان دُرخشش روح الله نیکپا و نثار احمد بهاوی را می‌توان یاد کرد.

دست‌یابی تیم فوتبال افغانستان به قهرمانی جنوب آسیا از دست آوردهای مهم است.

بعد از کناره گیری ظاهر اغبر از کمیتهٔ ملی المپیک و تربیت بدنی افغانستان کرام الدین کریم، رئیس فدراسیون فوتبال افغانستان و والی پیشین پنجشیر طی حکم ریاست جمهوری، به عنوان رئیس کمیتهٔ ملی المپیک و تربیت بدنی کشور تعیین شد.

هارون مجیدی

برای نخستین بار در تاریخ ورزش کشور موزیم ملی ورزش افغانستان ساخته شد که در این موزیم، دستاوردهای ورزشی و تصاویر ورزشکاران نخبهٔ ۷۰ سال گذشتهٔ تاریخ ورزش افغانستان نگهداری می‌شود که چنین کاری در بیش از هفتاد سال پیشینهٔ ورزش در افغانستان صورت نگرفته بود.

در زمان ریاست ظاهر اغبر به حیث رئیس کمیتهٔ ملی المپیک و تربیت بدنی جوانان زیادی در مسابقات بیرون از کشور شرکت ورزیدند و برای افغانستان افتخارات زیادی را به ارمغان آوردند. به گونهٔ مثال تنها در سال ۲۰۱۲ ورزشکاران در بخش‌های مختلفی چون تکواندو، کاراته، بکسنگ، کورش، زورخانه‌یی، موی تای، ورزش‌های رزمی ووشو، بایسکل رانی، جودو، تکواندوی آی آی اف، نیوفول کانتاکت، شین گی تای، هندبال، فوتبال، سنوکر، پرورش اندام، مردان آهنی، گانگفو ووزن برداری درجریان سال ۲۰۱۲شصت و هفت مدال طلا، هفتادو چهار مدال نقره و یک‌صد و نزده مدال برونز را از مسابقات منطقه‌یی و بین المللی نصیب کشور ساخته اند، که در تاریخ ورزش پیشینه نداشته است.

در همان سال افغانستان رده‌های بلندی را در ورزش به دست آورد. رده‌های مختلف تیم فوتبال کشور درمکان، نایب قهرمانی مسابقات هند و بعدا قهرمانی این تیم در مسابقات جنوب آسیا که در تاریخ افغانستان انقلاب سبز نامیده شد و همچنان ورزشکاران تکواندو درمسابقات راه‌یابی به مسابقات ۲۰۱۲ منعقدۀ لندن،کسب مقام قهرمانی تیم ملی کرکت کشور از مسابقات بیست اورۀ آسیا، مقام سوم نونهالان تکواندو در اردن، اخذ مقام سوم توسط ورزشکاران ورزش‌های زورخانه‌یی در تاجیکستان؛ در مقام دوم قرارگرفتن ورزشکاران کاراته از مسابقات جهانی ترکیه و مسابقات آسیایی در هند با کسب مدال‌های طلا، نقره و برونز توسط ورزشکاران ورزش‌های پاورلفتنگ از مسابقات آسیایی در جاپان، اخذ مدال از سوی ورزشکاران رزمی و کیک بوکسنگ از رقابت‌های آسیا و اروپا در ترکیه، کسب مقام سوم سنوکر بازان کشور در جمع سی و دو بهترین از رقابت‌های جام جهانی سنوکر در هندوستان و امارات متحدهٔ عربی، کسب لقب قهرمانی ورزشکاران

معلومات مکمل و مفصل برایش فراهم آورند. پیش از ریاست آقای اغبر محوطهٔ کمیتهٔ ملی المپیک به «زباله‌دانی شهر» تبدیل شده بود.

جنرال اغبر در نخستین اقدامش از داخل شدن موترها به محوطهٔ ریاست المپیک و از رفت و آمد افراد غیر مسوول نظامی در محوطهٔ ریاست المپیک جلوگیری کرد. آقای اغبر در همان زمان موتر خودش و محافظان‌اش را نیز مشمول این امر کرد. او گفت که المپیک، پارکینگ وسایط و قطعهٔ نظامی نیست.

آقای اغبر در زمان ریاستش در این کمیته به ورزش بانوان توجه خاص کرده است. به گونهٔ مثال یکی از کارهای او ساختن باشگاه بدنسازی در شهر کابل می‌باشد. این باشگاه در مساحت ۲۰۰ متر مربع با وسایل و تجهیزات لازم ورزشی در منطقهٔ قلعهٔ نچارهای خیرخانه ایجاد گردیده است؛ همچنان حضور گستردهٔ بانوان در مسابقات جهانی و امضای تفاهمنامه‌هایی میان وزارت امور زنان و کمیتهٔ ملی المپیک از این شمار می‌باشد. تنها در سال ۲۰۱۲ دو دختر افغان برای اولین بارمدال طلا را از مسابقات بوکس به دست آوردند و شگوفه دختر دیگر افغان مقیم ایران برای بار نخست توانست در رقابت‌های قایق رانی در ایران مدال برونز را به‌دست آورد.

در جریان کار آقای اغبر به حیث رئیس کمیتهٔ ملی المپیک در افغانستان به ورزش در ولایات افغانستان نیز توجه صورت گرفت؛ او در این جریان زیر چتر موسوم به «صلح و ورزش» به ولایات افغانستان سفرهایی داشت و از ورزشکاران ولایات باز دید به عمل آورد.

آقای اغبر در چهار سالی که در مدیریت المپیک و تربیت بدنی افغانستان بود سفرهای زیادی هم برای جلب همکاری‌های کشورهای دیگر نمود و از آن‌ها خواست تا به ورزش کشور توجه و همکاری کنند.

آقای اغبر برای جذب جوانان مستعد و نخبه، ورزش کارانی که بیرون از کشور به سر می‌برند نیز کارهای فراوانی را انجام داد که از آن شمار ساختن «شورای ورزشی اروپا» و«شورای عالی ورزش مهاجرین افغانستان مقیم جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد که در قسمت هماهنگی فعالیت‌های ورزشی در کشور بسیار مؤثر بوده است.

در سلسله گفت و گوهای اجندای ملی

دومین نشست مشورتی اجندای ملی - هرات

بخش دوازدهم و پایانی

گفت و گوی اشتراک کننده گان

یادداشت: دومین نشست مشورتی طرح اجندای ملی، اخیراً با حضور نخبه گان سیاسی، فرهنگیان، استادان دانشگاه و دانشجویان حوزه جنوب غرب در ولایت هرات برگزار شد.

در این نشست، اشتراک کننده گان پیشنهادها و دیدگاه های شان را در خصوص طرح اجندای ملی ارایه کردند و همچنان حمایت شان را از این طرح ابراز داشتند.

طرح اجندای ملی از سوی احمد ولی مسعود رییس عمومی بنیاد شهید مسعود ارایه شده است.

در این طرح ضمن ارایه طرح خروج از بن بست کنونی، در خصوص تأمین صلح پایدار در افغانستان نیز راهکارهایی ارایه شده است.

طرح اجندا، با استقبال نهادهای خارجی از جمله سازمان ملل متحد و نهادهای داخلی کشور رو برو شده است.

پس از این، گفت و گوهای دومین نشست مشورتی طرح اجندای ملی را که در ولایت هرات برگزار شده بود، به ترتیب در روزنامه به نشر می سپاریم.

سعید حقیقی:

دوستان عزیز! مسوده یی که خوانده شد، شما با مواد آن موافق هستید؟ اگر کسانی اختلاف دارند، لطفاً دست خود را بالا کنند. کسی مخالفتی با این مسوده ندارد، پس این مسوده را با توافق آرا تصویب کردیم.

را که از من پرسیده شد، پاسخ های کوتاه بدم و برسیم به آخر این نشست. در نخست به جواب یکی از دوستان مان در این جا که پرسیدند، ما در کتاب اجندای ملی طالبان را نقد کرده ایم و باید دیگران را هم نقد می کردیم، باید بگویم که ما در کتاب اجندای ملی تمام دوره های سیاسی افغانستان را نقد کرده ایم و دوره هایی که باعث بی ثباتی و عقب مانگی افغانستان گردیده است؛ بیشترین نقد را هم روی حکومت فعلی داشته ایم. نه تنها طالبان که ما رهبران جهادی را نیز نقد و بررسی کرده ایم. خدای نخواست ما



احمدولی مسعود:

یکبار دیگر سپاس گزار هستم از همه تان که لطف کردید و گفته های ما را شنیدید. می خواهم سوال هایی

در این نقد خود کدام تبعیضی را قایل نبوده ایم. برادر دیگر ما پرسیدند که منافع ملی باید مشخص شود و از آن تعریف صورت بگیرد. این را من نمی توانم که مشخصاً تعریف کنم و اجندای



ملی دقیق روی همین موضوع کار می کند که ما همه منافع ملی را تشخیص بدهیم و روی یک تعریف مشخص همه ما توافق کنیم؛ یعنی هر کسی از ضم خود جداگانه نپردازند روی منافع ملی؛ بلکه همه روی یک تعریف مشخص با در نظر داشت همه برداشتها و گفته های شما باید منافع ملی ما هم تعریف شود.

امنیت ملی را شما بارها شنیده اید و این امنیت یعنی یک روز طالبان برادران شان هستند و روز دیگر دشمنان شان؛ یک روز پاکستان برادر است و روز دیگر دشمن؛ در کنار چیزهای دیگر، حتا تعریف مشخص و همه پذیری از امنیت ملی در کشور وجود ندارد.

چطور می توانند نخبه گان افغانستان بالای فرهنگها و منافع تمام اقوام افغانستان توافق نظر داشته باشند و مشارکتی را به وجود بیاورند تا همه از منافع ملی تعریف مشخص پیدا کنیم؛ اگر من گفته باشم که منافع ملی چیست، این تنها حق حرف من است، ما می گوئیم که باید مشوره صورت بگیرد تا همه روی آن تفاهم کنیم که منافع ملی و مردمی ما چیست؟ و چه تعریفی دارد؟ دوست دیگر مان گفتند که در این جا یک جنگ استخباراتی کشورهای همسایه جریان دارد و طالبان بازیچه بیگانه گان هستند و این دوست ما در سال ۱۳۸۳ خورشیدی فراخوان ملی را نیز داده بوده اند.

بسیار دقیق است، در طول تاریخ افغانستان گروه هایی وجود داشته اند که بازیچه بیگانه ها بوده اند و در جریان دوازده سال گذشته هم جنگ های استخباراتی در سرزمین ما جریان داشته است؛ فراخوان ملی را که آن ها داده بوده اند و بعد یک نوع گسست واقع شده است من آرزومند بودم این فراخوان همچنان ادامه می داشت و حالا هم زمانی است که باید ادامه پیدا کند؛ زمانی که بخواهیم به یک تفاهم ملی برسیم این تنها مسوولیت من و تیم ما نیست برای همه ما است که هر کسی از یک گوشه آغاز کند و با مشوره های هم دگر حرف های خود را شریک بسازیم؛ آرزو دارم برنامه های ملی در فضای

که وجود دارد در یک محور بیایند و بتوانند جایگاه خود را پیدا کنند.

موضوع دیگر که بیان شد، این که چه تضمینی وجود دارد تا طرح اجندای ملی از مرحله تیوری به عمل پیدا شود.

قسمی که در همین جا هم گفته شد ما در جریان چهار دهه تجربیات زیادی داشته ایم و حکومت های زیادی را دیده ایم، هر کدام آن تلاش می کردند حکومتی را سازند مطابق به فکر و سلیقه خود شان؛ اما دیدیم که همه آن تجربیات در جا خوردند و ناکام ماندند؛ پس از این عبرت گرفته شده باشد که ما نمی توانیم با یک فکر، سمت، گروه یا با یک نفر به جایی برسیم. در این جا به این نتیجه می رسیم که یک تیوری که در تفاهم با مردم و نخبه گان به میان آمده است باید به منصفه اجرا گذاشته شود.

من اطمینان دارم با اعتماد به نسل جوان که بخش بزرگی از جامعه را می سازند و زنان این سرزمین که نیمی از پیکره جامعه هستند و آرزو دارند تا بروند به یک مرحله خوب تر و بهتر آن ها می توانند اجندای ملی را در عمل پیاده سازند.

مورد دیگر که پرسیده و مطرح شد در پیوند تمرکز قدرت و تعادل منطقی آن؛ ما این موضوع را در کتاب اجندای ملی به گونه واضح شرح داده ایم که چطور می تواند یک تعادل قدرت میان مرکز و ولایات ایجاد شود؛ چطور می توانیم تعصب زدایی کنیم و قدرت را اهلی سازیم تا قدرت مهار گردد و آرزو

دارم یکبار اجندای ملی به خوانش گرفته شود و تمام پرسش های که است حل گردد.

مورد آخری که گفته شد اگر صلح نباشد اجندای ملی چه سرنوشتی خواهد داشت؟

باید بگویم که اگر امنیت و عدالت اجتماعی ... می بود نیازی به اجندای ملی نبود ما آمده ایم تا از طریق اجندای ملی که بخش های زیاد و گسترده دارد، بتوانیم تا به جایی برسیم و یکی از مؤلفه های بسیار مهم اش صلح است و اطمینان داریم تا در جامعه یی که صلح نباشد هیچ کاری نتیجه نمی دهد و اجندای ملی آمده است تا بتواند با روابط بین الافغانی و اعتماد سازی، مهار قدرت و اصلاح نظام، صلح پایدار را در کشور بیاوریم. برداشتی را که از این محفل با شکوه داشتیم این است که ما باید یک دیگر را تحمل کنیم؛ یک روحیه ملی وجود دارد و ما باید صدا های ملی خود را یک جا کنیم تا به یک تفاهم برسیم و یک دیدگاه مشترک را بسازیم؛ ما در ابتدا که آغاز کردیم مشکلاتی وجود داشت اما حالا می بینیم که همه از یک برنامه ملی حمایت می کنند.

موضوعی را که در اخیر می توانم بگویم این است که در طرح چارچوب اجندای ملی اهداف و خواسته های مشخص این طرح وجود دارد و در آن ذکر رفته است و به خاطر کارهای کوتاه مدت نیامده ایم این کار وقت زیاد می طلبد و ما تا آن دم مبارزه خواهیم کرد؛ انتخابات پیش رو نه آغاز و نه هم پایان اجندای ملی است و این یک پروسه دراز مدت می باشد، آرزو دارم تا یک روزی به این هدف برسیم تا برای نسل های بعدی همین شما بزرگان یک آینده خوب را رقم بزنید و باز هم تشکر از همه شما.

هم چنان از دوستانی که با ما این جا آمدند تشکر می کنم. از آقای رحمتی، سلطانة پرونتا، استادیوری، عبدالهادی میران، سعید حقیقی، دکتر صاحب سید عسکر موسوی و همه دوستان دیگر.

نسبت به افغانستان ساده تر خواهد بود، چرا که امنیت و ثبات عامل اصلی برگزاری انتخابات است و این کشورها این دو عامل را دارند.

به باور او، کمیسیون مستقل انتخابات برای تشخیص هویت افغان ها در کشورهای ایران و پاکستان یقیناً برنامه هایی خواهند داشت و از سویی هم وزارت مهاجرین باید با این کمیسیون همکاری کند.

او تأکید کرد، کمیسیون مستقل انتخابات، کمیسیون شکایات انتخاباتی، نهادهای بین المللی و نهادهای مدنی افغانستان، با اعزام نماینده گان شان به این کشورها و نظارت از این پروسه، می توانند شفافیت انتخابات را تضمین کنند.

وزارت خارجه پاکستان اعلام کرده که این کشور از این برنامه پشتیبانی خواهد کرد؛ اما مسوولان ایرانی تا کنون در این مورد اظهار نظری نکرده اند.

ناجیه نوری

دارد و زمانی که نهایی شد آن را با مطبوعات و سایر نهادها شریک خواهیم ساخت.

در این حال، احمد ضیا رفعت استاد دانشگاه کابل و عضو پیشین کمیسیون شکایات انتخاباتی می گوید، کمیسیون انتخابات تجربه یک دوره برگزاری انتخابات در خارج از کشور را دارد؛ پس می تواند زمینه برگزاری انتخابات را در خارج از کشور فراهم کند.

او تأکید کرد، ولی در صورتی زمینه برگزاری انتخابات در بیرون از کشور مساعد خواهد بود که حکومت افغانستان برای انجام این کار اراده قوی داشته باشد که متأسفانه در این خصوص یک مقدار تردید وجود دارد که حکومت افغانستان بتواند این کار را به خوبی انجام دهد.

به گفته استاد رفعت، اگر حکومت اراده قوی برای برگزاری انتخابات برای مهاجران افغان مقیم ایران و پاکستان داشته باشد، برگزاری انتخابات در این کشورها

محروم خواهند شد؛ اما متأسفانه هیچ نوع تضمینی برای برگزاری یک انتخابات شفاف در این کشورها وجود ندارد و برگزاری انتخابات بدون دخالت این کشورها ممکن نیست.

اما نورمحمد نور سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات با رد این ادعا می گوید، اینکه از این روند چگونه نظارت کنیم و آیا از کارت های مهاجرین استفاده کنیم یا روند دیگری در پیش بگیریم، بحث بعدی است؛ ولی هنوز یک پلان است و باید گام هایی در نظر گرفته شود.

نور گفت: تأمین امنیت، پرداخت بودجه، نظارت از روند برگزاری انتخابات و به کار گیری کارت های رای دهی و یا ابزارهای دیگر، از موضوعاتی اند که اگر نهایی شود، ما می توانیم در مورد انتخابات بیرون مرزی تصمیم بگیریم. سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات تأکید کرد، ولی هنوز این مساله نهایی نشده و چانه زنی ها در این خصوص ادامه

برای متحدان ما تعریف دشمن سلیقه‌ی شده است



بشد و از هرکجایی که باشد تروریست است، اما این عملیات‌های سلیقه‌ی شک و گمان را در رابطه به معیارهای دوگانه تشدید می‌بخشد. در خونخواری، بی‌رحمی و نوع دیدگاه طالبان افغانی و پاکستانی هیچ تفاوتی وجود ندارد. تفاوت این است با یکی ارتش پاکستان مخالفت دارد و دیگری را کمک می‌کند و متحد خود می‌داند. جهت‌گیری امریکا سوال عمیق در اذهان به‌وجود می‌آورد. قشر استراتژیست افغانستان نباید از کنار این سوال به آسانی عبور کند. برای متحدین ما تعریف دشمن سلیقه‌ی شده است، ما نیاز به تقلید و پیروی کور کورانه نداریم.

امرالله صالح

طیاره‌های بی‌پیلوت امریکایی در نشانه‌گیری و کشتن طالبان پاکستانی خیلی موثر اند، اما همین طیارات اجازه و برنامه کشتن رهبران طالبان افغانی و شورای مشهور کوئته در خاک پاکستان را ندارند. گفته می‌شود که حتی تعدادی از رهبران طالبان به اصطلاح افغانی به‌خاطر مذاکرات و هماهنگی بیشتر با «مقامات» به اسلام‌آباد سفر کرده‌اند. این چندمین رهبر تحریک طالبان پاکستان است که به کمک مستقیم امریکا کشته می‌شود. یعنی امریکا تهدید امنیتی علیه اردوی پاکستان را تحمل نمی‌کند و آن را تهدید علیه خود می‌داند. اما در مقابل نه تنها که هیچ یک از اعضای شورای کوئته کشته نشده‌اند، بلکه برای آن‌ها دفاتری در قطر و دیگر جاها نیز پیشنها می‌گردد. در حالیکه تروریست هر کسی که

«امریکا و پاکستان؛ ازدواجی بدون عشق»

پلتیکو

نیز حمله می‌کنند. ادامه صلح با شبه نظامیان طالبان پاکستان که در گذشته توافقاتی را امضا اما خلف وعده کرده و دوباره مسلح شده‌اند، احتمالاً باعث تشویق و آزادی بیشتر تروریست‌هایی می‌شود که امریکایی‌ها را هدف قرار می‌دهند. دوم، منافع مشترک هنوز دست نیافتنی باقی مانده‌اند. واشنگتن و اسلام‌آباد به دنبال افغانستانی با ثبات هستند و به همین دلیل است که امریکا به شدت به پاکستان برای متقاعد کردن شبه نظامیان طالبان به منظور مذاکره برای پایان این جنگ وابسته شده است. این یک مشکل است: هیچ مدرک مشخصی وجود ندارد که نشان دهد اسلام‌آباد واقعاً چنین نفوذ و قدرتی را دارد یا اگر چنین قدرتی دارد آیا واقعاً قصد دارد که از طالبان بخواهد تا در مذاکرات شرکت کند



روابط امریکا و پاکستان که به ظاهر شرکای استراتژیک یکدیگرند امری نیست که بی‌مناقشه و به راحتی قابل اثبات باشد. نقش پاکستان در قبال افغانستان، مناقشه با هند، انفعال در مقابل اقدامات شبه‌نظامی و حملات بی‌سرنشین امریکا در خاک پاکستان همگی مواردی هستند که نمی‌گذارند رابطه این دو به اصطلاح شریک را خیلی حسنه یا به قول پایگاه اینترنتی پلتیکو «عاشقانه» بدانیم. سران تجارت، مقامات منتخب، اندیشمندان، جامعه پاکستانی- امریکایی، جو بایدن، معاون رییس جمهور امریکا، جان کری، وزیر امور خارجه این کشور و مقامات پنتاگون به همراه دیگر افراد در روزی گذشته میزبان نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان بودند. میشل اوباما، بانوی اول امریکا نیز یک مهمانی صرف چای و خواندن شعر برای همسر نواز شریف برگزار کرد. در این مراسم با شکوه مقامات ارشد امریکا با آب و تاب درباره ارزش فوق‌العاده زیاد روابطی که نمی‌توانست مهم‌تر از این باشد، صحبت کردند. و سپس نشست نواز شریف با باراک اوباما، رییس‌جمهوری امریکا صورت گرفت که در آن بر تمامی همکاری‌ها از همکاری‌های دفاعی و کشاورزی گرفته تا همکاری‌های تجاری و انرژی تاکید شد. در کنفرانس خبری مشترک پس از نشست هر دو رهبر حسن

یا خیر. اسلام‌آباد ماه گذشته میلادی به طور آشکار مدعی شد که ملا برادر، یکی از مقامات ارشد طالبان را که آزادی‌اش برای آغاز سریع مذاکرات صلح لازم و ضروری است، از زندان آزاد کرده است. اما مقامات افغان گمان می‌کنند که او هنوز آزاد نشده و در حبس خانگی به سر می‌برد. هیچ نشانه‌ی نیز از اینکه طالبان افغان پذیرای مذاکرات باشند، وجود ندارد؛ در حال حاضر گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه این گروه برای فصل درگیری‌ها آماده می‌شوند و ملا برادر نیز آماده است تا به میدان مبارزه باز گردد.

سوم، تغییردهندگان بالقوه بازی این روابط یعنی دستاوردهایی که می‌توانند روابط دو جانبه را بهبود ببخشند، شانس کمی برای تحقق و حضور دارند. پاکستان نه تنها خواستار توقف حملات هوایی‌های بدون سرنشین بلکه خواستار دسترسی بیشتر به بازارهای امریکا برای واردات منسوجاتش و یک توافق امنی غیرنظامی است. امریکا از پاکستان می‌خواهد تا به وزیرستان شمالی حمله نظامی کرده و روابطش با تمامی شبه نظامیان را قطع کند. ترکیب استراتژی‌های ثابت و قاطع، عدم اعتماد و سیاست‌های داخلی، اطمینان می‌دهد که تغییر واقعی تمامی این مسائل بعید است.

مطمیناً تمامی جوانب این رابطه بدبختی و بیچارگی نیست و دلایلی نیز برای خوش‌بینی وجود دارد. شریف بارها اعلام کرده که مشتاق است تا تکلیف را با واشنگتن روشن کند و بر اساس روابط مستحکمش با امریکا در زمان نخست‌وزیری‌اش در دهه ۱۹۹۰ میلادی این خواسته به احتمال زیاد عملی است. به علاوه همکاری‌های امنیتی محدودی از جمله توقف حملات بمب‌های کنترل از راه دور وجود داشته است. اسلام‌آباد همچنین به شدت با پیشنهاد کمک واشنگتن برای تثبیت اقتصاد متزلزل این کشور موافق است.

اما موضوع را گم نکنید: ما تنها یک نیروی ویژه امریکایی هستیم که به دور از یک بحران جدید در پاکستان عملیات نظامی انجام می‌دهیم یا یک شبکه حقانی به نیروهای ما...

ادامه صفحه ۶

تیم راگبی افغانستان، امارات و لبنان را برد!

حدود دو سال از تأسیس آن می‌گذرد و تا کنون علاوه بر مسابقات کشورهای جنوب آسیا، در مقابل تیم‌های کشورهای غرب آسیا قرار گرفته است. او افزود که در این مسابقه، تیم ملی افغانستان در شهر دبی در مصاف با تیم ملی راگبی کشورهای امارات متحده عربی، ایران و لبنان قرار گرفته است.

راگبی از ورزش‌هایی است که اخیراً راه خود را به افغانستان باز کرده است. این مقام ورزش افغانستان گفت که تیم ملی راگبی مرکب از ۱۰ نفر است که شش نفر آنان از افغانستان و چهار نفر آنان از مهاجرین افغان خارج از کشور انتخاب شده‌اند. او افزود که انتخاب تیم ملی راگبی افغانستان در یک سری مسابقات فشرده در پایتخت، با مشارکت تیم‌هایی از ولایت‌ها و باشگاه‌های مستقل ورزشی شهر کابل انتخاب شدند.

آقای جلال توضیح داد که در ابتدایی تأسیس، یک مربی

هندی آموزش تیم ملی افغانستان را به عهده داشت، ولی اکنون مربیان افغان توان‌مندی هدایت تیم ملی راگبی افغانستان را دارند.

او از افزایش علاقه‌مندی به این ورزش ابراز خرسندی کرده و گفت که تعدادی از نهادهای مستقل و به‌خصوص بانک‌های خصوصی اظهار علاقه‌مندی کرده‌اند که از تیم‌های راگبی در افغانستان حمایت مالی کنند که این روند می‌تواند به رشد این ورزش کمک کند.

آقای جلال تاکید کرد که علاوه بر تیم ملی، تیم‌های زیر ۱۶ سال و ۱۹ سال راگبی افغانستان نیز تشکیل شده و چندی قبل این تیم برای مسابقات برون‌مرزی به کشور پاکستان سفر کرده بود.

تیم ملی راگبی افغانستان که اکنون در شهر دبی پایتخت امارات متحده عرب، برای شرکت در مسابقات راگبی کشورهای غرب آسیا، به‌سر می‌برد، در دور اول بازی توانست تیم ملی راگبی امارات متحده عربی و لبنان را شکست دهد. این نخستین حضور تیم ملی راگبی افغانستان در مسابقات غرب آسیا است.

در این بازی، تیم ملی افغانستان موفق شده که با نتیجه ۳۱ بر صفر، تیم امارات متحده و ۲۲ بر پنج، تیم ملی لبنان را شکست دهد.

منصور مجید، رییس فدراسیون راگبی افغانستان گفت: این بُردها باعث شده تا تیم ملی راگبی افغانستان از روحیه بالایی برخوردار شود.

تیم ملی افغانستان در نخستین دیدار این رقابت‌ها به مصاف ایران رفته بود و پس از کسب اولین شکست، نتیجه را ۱۲ بر ۱۷ به ایران واگذار کرد.

ظریف جلال، مسوول روابط کمیته ملی المپیک افغانستان



به بی‌بی‌سی گفت که تیم ملی راگبی افغانستان از دو سال قبل آغاز به کار کرده که تا کنون در بازی‌های جنوب آسیا به عنوان نماینده افغانستان شرکت داشته است.

تیم ملی راگبی افغانستان در مسابقات کشورهای جنوب آسیا که سال گذشته در کشور هند برگزار شده بود، بدون دستاورد به خانه برگشت. آقای جلال افزود که تیم ملی راگبی افغانستان در

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی
سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار
 Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰